

یشتهاد مینمایم که قسمت شش از ماده یازدهم بترتیب ذیل اصلاح شود (د) در محل انتخاب معروفیت نامه داشته باشند.

یشتهاد آقای سلطان العلماء مقام متبع ریاست جلیله - یشتهاد میکنم تبصره ذیل بعد از شرط چهارم از ماده یازدهم اضافه شود.

اشخاصی که تصدیقنامه مدارس عالی را دارا هستند سن بیست و پنجسال کافی است.

۷۰ سال نباشد

۴- دو محل انتخاب معروف باشد یشتهاد آقای یاسائی - مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی- بنده یشتهاد میکنم فقره ۷ ضمیمه ماده ۱۱ شود فقره ۷ لاقلاً ششماه قبل از موقع انتخاب در حوزه انتخابیه ساکن باشد

ایشان یشتهاد آقای یاسائی- مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی بنده یشتهاد میکنم فقره چهارم اینطور اصلاح شود

۴- سن ایشان کمتر از ۳۰ و زیاد از هفتاد سال نباشد

یشتهاد آقای کازرونی- بنده یشتهاد میکنم که قسمت ششم از ماده ۱۱ (دوم محل انتخاب معروف باشند) حذف شود

یشتهاد آقای سردار شایر - بنده در ماده ۱۱ در قسمت شش راجع به معروفیت محلی کافی نیدانم کما ملا معروفیت عموم محل را داشته باشد ومدتی اقل دو سال در آن محل متوقف بوده باشد

یشتهاد آقای تدین مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی- یشتهاد میکنم که جزو چهارم از ماده بطریق ذیل مقرر شود

جزو (۴) سن ایشان کمتر از سی و زیاد از هفتاد سال نباشد باستانی اشخاص فارغ التحصیل از مدارس عالی که در سن ۲۵ سالگی میتواند انتخاب شوند

یشتهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب بنده یشتهاد میکنم قسمت ششم از ماده یازدهم اینطور نوشته شود اقل سه سال در محل انتخاب ساکن بوده باشد

یشتهاد آقای سر کشیک زاده - بنده یشتهاد میکنم قسمت ۶ از ماده یازدهم بطریق ذیل نوشته شود

۶- در هر کدام از نقاطیکه حوزههای انتخابیه تشکیل میشود لاقلاً یکسال متوقف داشته باشد

یشتهاد آقای یاسائی - بنده یشتهاد میکنم فقره ۳ از ماده یازدهم اینطور اصلاح شود

۳- اقل صاحب تصدیقنامه مدارس ابتدائی بوده یا لاقلاً معلومات کلاس ششم ابتدائی را دارا باشد

یشتهاد آقای تقی زاده یشتهاد میکنم شرط اول اینطور نوشته شود خود و دیوشت او تبعه ایران بوده باشد

یشتهاد آقای شیروانی- بنده یشتهاد میکنم قسمت اول ماده یازدهم اینطور اصلاح شود

۱- ذکور تبعه ایران باشد و قسمت اول ماده دوازدهم حذف شود

یشتهاد آقای سلطان العلماء مقام متبع ریاست جلیله یشتهاد میکنم که شرط ششم از ماده ۱۱ اینطور اصلاح شود ۶ اهل

محل باشند یا اقل دو سال در محل انتخاب متوقف کرده باشد

یشتهاد آقای آقا سید محیی العین و آقا سید یعقوب - بنده یشتهاد میکنم که منتخب یا از اهل محل باشد یا اینکه در حوزه انتخابیه قبل از انتخاب دو سال متوقف باشد

یشتهاد شاهزاده محمد ولی میرزا - بنده یشتهاد میکنم در ماده ۱۱ جمله ۶ چنین نوشته شود قبل از اعلان انتخاب لاقلاً ششماه در محل انتخابیه مقیم یا یکسال سابقه اقامت داشته باشد - وجهه ۳- دارای تصدیقنامه از مدارس متوسطه یا از مدارس علوم دینی

نایب رئیس- یشتهادی راجع بخدمت جلسه رسیده است

جمعی از نمایندگان- صبح است نایب رئیس- چون فردا روز عید است و باید از طرف مجلس چند نفر برای شرفیابیی حضور و الا حضرت معین شوند لذا شش نفر بقرعه معین میشوند

آقا سید یعقوب - بنده در این مسئله مخالفم

نایب رئیس- بفرمائید

آقا سید یعقوب - تا حالا در دوره سوم چهارم و همچنین در دوره پنجم عید حضرت زهرا عید رسمی نبوده است که نماینده از طرف مجلس می رود اینست که بنده مخالفم

نایب رئیس- چون قبلاً در همین مجلس انتخاب شده است و شرفیاب هم میشده اند و سابقه هم دارد این است که هم انتخاب میشود.

نایب رئیس- چون قبلاً در همین مجلس انتخاب شده است و شرفیاب هم میشده اند و سابقه هم دارد این است که هم انتخاب میشود.

استقراعی بعمل آمده بترتیب ذیل معین شدند

آقای صدر الاسلام - آقای تقی زاده - آقای متمم السلطنه - آقای حاج میرزا اسدالله خان

نایب رئیس - آقای حاج میرزا اسدالله خان جزء هیئت رئیس هستند (مجدداً استقراعی شده آقایان مفصله ذیل معین شدند)

آقای وکیل الملک - آقای نصرت الدوله آقای امیر اشرف

نایب رئیس- یشتهادی آقای آقا سید یعقوب کرده اند قرائت میشود (شرح ذیل خوانده شد)

بنده یشتهاد میکنم رایبورت انتخاب آقای مساوات مطرح شود

نایب رئیس - مخالفی نیست؟ (گفتند - خیر)

(رایبورت مزبور بضمون آتی خوانده شد)

شعبه سوم در جلسات عیدیه دوسوم انتخابات ساوجبلاغ مکرری را در تحت دقت و مطالعه قراردادده طرز جریان انتخاب این حوزه برقرار ذیل است؟

در تاریخ دوشنبه قره جمادی الاولی ۱۳۴۲ هجری تقویم نظار تشکیل و در تاریخ دوم جمادی الاولی شروع بکار نمودند. اعضاء چهار حوزه قره جمادی اولی و استرداد آرا را مطابق قانون تعیین و اعلان کردند. در ۲۶ جمادی الاولی اخذ آراء تمام شده و جمعه ها را مهر کرده و در ۲۷ شروع بقرائت نمودند

نظر باینکه راجع بصندوق بوکان شکایاتی از طرف مردم واصل شده بوده و انجمن نیز عقیده بتجدید انتخاب آقا سید پیدا کرده مراتب بوزارت داخله اطلاع و بتشرکات مساعده که از وزارت داخله در این موضوع رسیده بود

انجمن مجددی در بوکان تشکیل و تجدید انتخاب در آن حوزه بعمل آمده از مقدار ۱۴۴۲ رأی مستخرجه ببنده قسمت این حوزه کسانیکه دارای اکثریت بوده اند بقرار ذیل است . . .

آقای رئیس الوزراه ۴۰۴۶ رأی .

آقای آقا میرزا محمد رضاساوات ۲۰۰۰ رأی و چون آقای رئیس الوزراه از قبول و کالت این حوزه امتناع جسته اند آقای مساوات حاضر اکثریت و وشبه ۳ نمایندگان ایشان را با اکثریت تصویب رایبورت آنرا تقدیم مجلس شورای ملی میدارد

نایب رئیس- آقای متقی

مدر العلماء متقی - بنده مخالفم - نایب رئیس- میباید برای جلسه بعد آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی - بنده متأسفم که قانون انتخابات در این دوره آمد بمجلس و تا آخر دوره هم نخواهد گذشت و با اینکه ما باید در این دوره يك کارهای اساسی کرده باشیم هنوز قانون استخدام معلین را در مجلس نیارده اند و معلین بدست هلاک بر اینست که مشمول قانون استخدام نیستند از يك جا حقوق آنها را بتوان تقاضا کرد و ميكند و از يك جا ميگویند شما را باید کثرت کنیم

از این جهت استدعا میکنم برای جلسات بعد قانون استخدام معلین جزو دستور شود

نایب رئیس- جلسه را ختم میکنم جلسه بعد روز شنبه سه ساعت قبل از ظهر دستور هم مالیات تصاعده و چون همه برای رأی گرفتن کافی نیست در جلسه آتی در یشتهاد آقای طهرانی رأی گرفته میشود

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی سهام السلطان غلی اقبال المالک مظلم السلطان

جلسه یکصد و دوازدهم صورت مشروح مجلس یوم شنبه بیست و هفتم جدی ۱۳۰۳ مطابق بیست و یکم جمادی الثانیه ۱۳۴۳

(مجلس دوساعت و ربع قبل از ظهر ریاست آقای سهام السلطان نایب رئیس تشکیل گردید)

صورت مجلس یوم پنجشنبه بیست و پنجم جدی را آقای میرزا جواد خان قرائت نمودند

نایب رئیس - آقای احتشام الحکماء (اجازه)

احتشام الحکماء بنده قبل از دستور مرضی دارم.

نایب رئیس - آقای مدبر الملک (اجازه)

مدبر الملک - بنده هم قبل از دستور مرضی دارم.

نایب رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب - قبل از دستور مرضی دارم.

نایب رئیس - در صورت مجلس مخالفی نیست؟

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم.

نایب رئیس - بفرمائید . . .

آقا سید یعقوب - بنده تقهیم این صورت جلسه مخصوصاً یک نظر بصرحتی نسبت به بنده داشته است وقتی که آقای هاد السلطنه فرمودند که راجع به منتخب سواد و خطی قریب کثایت داشتن را بنده مخالفم و يك بیاناتی فرمودند در جواب ایشان بنده توضیح مفصلی عرض کردم که نباید اینقدر نسبت به منتخب و منتخب هر دو سخت گیری کرد.

این را که نوشته اند هیچ نوشته اند هم که بنده موافق بودم خوب بود يك ترتیب اثری بصورت جلسات داده شود.

یکی دیگر در مسئله تعیین عدو برای شرفیابی حضور و الاحضرت بوده که بنده گفتم این عباد اعیان رسمی نبوده و سابقه هم نداشته است آنرا هم نوشته اند خوب است اقل موافقت موافق و مخالفت مخالف نوشته شود و يك ترتیبی بشود که بصورت جلسه اطمینان باشد.

نایب رئیس - اصلاح میشود دیگر مخالفی نیست؟

(اظهاری نشد)

صورت جلسه تصویب شد . آقای احتشام الحکماء

(اجازه)

احتشام الحکماء - در چندین قبل که بوجه مملکت مطرح بوده هفتاد هزار تومان خانوار را مجلس رد کرد . موضوع عشر اوقاف هم بلا تکلیف ماند معنی ملنی شدن هم این است که از مردم مطالبه

نکنند تا مسافانه بوجوب تلگرافاتی که این چند روز رسیده است تصدیق داران ماله در ولایات با کمال جدیت و عجله خانواری و همچنین بنمشر اوقاف را مطالبه میکنند حالا اگر آقایان نمایندگان محترم اصلاح بدانند خوب است از طرف مقام محترم ریاست تذکری بوزارت ماله داده شود که بوزارت ماله متحد المالی بنام ایالات و ولایات صادر کنند که خانوار را بر اموال موقوف بدارند - نیم عشر اوقاف هم عجله موقوف مطالبه باشد تا تکلیفی معلوم شود.

نایب رئیس - آقای مدبر الملک (اجازه)

مدبر الملک - در چندین قبل بنده خاطر هست لایحه راجع باصناف تبرید و قرانی برای عرایض از طرف دولت تقدیم مجلس شورای ملی شد . و با یک دلائل رد شد که اگر مثلا یک تران بیک رجعتی بشود آن رعیت چون دو قران ندارد مانع برای دادن عریضه و تطالم کردن او خواهد شد دلائلی دیگری هم هست که حالاً نتوانم توضیح بدهم .

متأسفانه حالا میگیرند مالکین و رهاهای فراه اطراف طهران شکایت میکنند که وزارت ماله دوقران را از آن ها میگیرند و اگر پول نداشته باشند تبرید بگیرند و بر ریشه شان الصان کنند عریضه آن ها را نمی پذیرند این است که بنده خواستم تقاضا کنم آقایان و کلاه صلاح بدانند وزارت ماله به بعد از طرف مقام ریاست بوزارت ماله تذکره داده شود که در صورتیکه مجلس شورای ملی لایحه را با اکثریت رد کرده است چرا دوقران پول تبرید را عریضه مطالبه میکنند.

بعضی از نمایندگان - صحیح است .

نایب رئیس - آقای داور . . . (اجازه)

داوری یکی از مسائلی که فوق العاده برای ترقی مملکت اهمیت دارد و میباید هم آقایان هم بآن علاقه مند هستند و در ضمن مذاکرات قبلی هم که با اغلب آقایان کردم دیدم کاملاً طرف توجهشان است و بالاخره باشخصی که مراجعه کردم و یشتهادی را که حالا تقدیم میکنم امضاء فرمودند .

مسئله امنیت قضائی است و مخصوصاً یکی از وسائل مهم امنیت قضائی عبارتست از ترتیب رفتار دولت یا اشخاصیکه با او طرف معامله هستند یا بیابارت اخیری ترتیب دعوی مردم بر دولت غالباً دیده میشود که يك قوانینی در اداری نظر چندان دارای اهمیت نیست و وقتی که نگاه میکنم تصور نمیکنم که این قانون يك آثار و نتایج فوق العاده داشته باشد ولیکن مهم ترین نتایج را بطور غیر مستقیم می شود از همان قوانین گرفت

همه مجلس تمام دردم امروزه بواسطه فقر و بدبختی که مملکت را گرفته است متوجه قضایای اقتصادی هستند البته مسائل اقتصادی یکی از آن مسائلی است که اگر ممکن بشود مجلس تمام اوقاتش را صرف آن بکنند میبایستی کرده باشد

و بنده خودم شخصاً از مقدمین این مسئله بودم و هستم و از وقتی که بایران برگشتم وقتی که صحبت میکردم کنفرانس میدادم روزنامه مینوشتم و یادرجس بودم همه وقت مقتضی میدانستم در اینخصوص اقدام شده و نتیجه گرفته شود .

اقدام هم کرده ام و باز هم دارم میکنم .

اما باید تصدیق کرد مادامی که همین قانونی که الان بنده بطور طرح یشتهاد میکنم تکفرد پایه اصول ترقیات و اقتصادیات بر آب خواهد بود .

ما میخواهیم در این مملکت یک شرکت های بزرگی تاسیس شود و یک امتیازاتی بگیرند و يك کارهای مهمی بکنند .

کارخانجاتی بیاورند بالاخره منابع تروت را را بکار بیندازند که بتوانیم از آنها استفاده کنیم .

ولی غالباً اشخاصی که ذوق این کار ها را دارند یاسر مایه و با فکر و اطلاع دارند میترسند اقدام نکنند

برای اینکه يك ششم میآید و يك امتیازی را میگیرند البته اگر از اتباع داخله نباشد میتواند اطمینان داشته باشد که اگر از خودش هم تجاوز کند هیچ طور نمی شود

ولی اگر از اتباع ایران باشد این بدست باید هر روز پشت يك دفتر تحریر یا میز فلان وزارت خانه یا فلان اداره برود و گرفتار باشد و هر روز دچار کشمکش است و هر مدیر اداره که میآید میگوید این قرار داد بر ضرر دولت است و يك نظر تازه اتخاذه می کند

از این جهت برایش امنیت و اطمینانی نیست .

بنابراین اگر ما میخواهیم در این مملکت يك شرکتهائی تاسیس بشود و خود اینها يك کارهایی بکنند باید طوری بکنیم که مصون از تعرض دولت باشند یعنی اگر دولت خواست با آنها تمایزی برخلاف قانون بکنند بتوانند اوراق بیکجکه بکشند و معاجله کنند و نگذارند حشاشان از بین برود .

و بالاخره چون اصل قضیه راهه آقایان مطلبند نمی خواهم داخل تفصیل و شرح بدهم طرحی یشتهاد شده است عده از آقایان هم امضاء فرموده اند (یعنی داشتیم اگر بسیار آقایان هم میدادیم امضاء می کردند منتها خواستیم زودتر بمجلس داده شود و تعطیل نشود) حاضر شوند .

امیدوارم هفتم کیسیون محترم مبتكرات هم بزودی راپرت آنرا تهیه و تقدیم مجلس نمایند که مطرح شود و گمان میکنم اگر این طرح بگذرد بزرگترین خدمت نسبت بمملکت ایران است (طرح مزبور را تقدیم نمودند)

يك چیز دیگر هم میخواستم راجع بدستور امروز عرض کنم چون لایحه مالیات تصاعده جزء دستور امروز است بنده خواستم آقایان را متشکر کنم که این لایحه در کمیسیون قبل نوشته شده و راپرت آنرا هم ممبر محترم سابق تهیه کرده بودند بنده هم همان راپرت را آوردم بمجلس و چون در ضمن شورسکلی نظر مجلس معلوم شد و نتیجه بدست آمد کمیسیون خود را ملزم میدانند که در آن لایحه يك تجدید نظری بنیاید

باین مناسبت خواستم تقاضا کنم که این لایحه از دستور امروز خارج شود تا کمیسیون دو آن تجدید نظر نماید .

از يك عده از آقایان هم دعوت شده که نظریات خودشان را در اینخصوص بیان کنند .

البته پس از تجدید نظر تقدیم شده و مجدد جزء دستور خواهد شد

بعضی از نمایندگان - صحیح است نایب رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب یکی از حقوق لایحه مجلس بود که یکی از حقوق ملت و نمایندگان این است که در بعضی از امور که سوه تقاضای یا اشتباهی برایشان دست بدهد از وزرا سؤال کنند و یکی از حقوق نمایندگان و مجلس این است که وزرا چندان تأملی در این قضیه نکنند و نگذارند زیاد طول بکشد و بیایند جواب سؤالات را بدهند .

اگرچه در آن نظامنامه که تا زودتر تجدید نظر میشود و بنده هم بصورت آن کمیسیون مستخرم گویا مدت معین شد که هر سؤالی چندر باید طول بکشد ولی هجالتاً خواستم با آقایان محترم تذکر بدهم سؤالاتی که از آقایان وزراء میشود خوبست بزودی بیایند جواب بدهند .

مخصوصاً بنده دو سؤال است تقریباً پنج شش ماه میشود از وزارت ماله کرده ام و هنوز برای جواب حاضر نشده اند يك سؤال دیگر هم از وزارت معارف است که تقریباً هفتاد روز است که جواب بدهند .

و بالاخره چون اصل قضیه راهه آقایان مطلبند نمی خواهم داخل تفصیل و شرح بدهم طرحی یشتهاد شده است عده از آقایان هم امضاء فرموده اند (یعنی داشتیم اگر بسیار آقایان هم میدادیم امضاء می کردند منتها خواستیم زودتر بمجلس داده شود و تعطیل نشود) حاضر شوند .

یشتهاد آقای دولت آبادی در ماده یازدهم حق یشتهاد میکنم در شرایط انتخاب شوندگان اضافه شود که منتخب باید متداستعمال اقوی نبوده باشد . یشتهاد آقای شیروانی - یشتهاد میکنم قسمت چهارم ماده یازدهم بطریق ذیل اصلاح شود

۴- سن ایشان کمتر از بیست و پنج و زیاد تر از هفتاد نباشد

یشتهاد آقای اشکر - بنده یشتهاد میکنم بجای کلمه متنوعه در فرناز (مگر اهل دیانت از ملل متنوعه مسیحی - زردشتی - کلیسی) در قسمت دوم ماده ۱۱ کلمه ثلاثه نوشته شود

یشتهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب بنده یشتهاد میکنم بماده ۵ ضمیمه شود اجزاء بلدی

یشتهاد آقای ضیاء الواعظین یشتهاد مینمایم که قسمت چهارم از ماده بترتیب ذیل اصلاح شود ۴ سن آنها کمتر از ۲۵ سال و زیاد از هفتاد و پنج نباشد

یشتهاد آقای شیخ المرعین زاده - بنده یشتهاد میکنم که ماده ۱۱ بطریق ذیل تنظیم شود - ماده ۱۱ انتخاب شوندگان باید دارای صفات ذیل باشند

۱ - متدین بدین اسلام باشند مگر ایرانیان زردشتی مسیحی کلیسی مذهب

۲ - خط و سواد فارسی داشته باشند

۳ - سن ایشان کمتر از ۲۵ و زیاد از

یشتهاد آقای سر کشیک زاده و یشتهاد میکنم که قسمت ششم از ماده ۱۱ (دوم محل انتخاب معروف باشند) حذف شود

یشتهاد آقای سردار شایر - بنده در ماده ۱۱ در قسمت شش راجع به معروفیت محلی کافی نیدانم کما ملا معروفیت عموم محل را داشته باشد ومدتی اقل دو سال در آن محل متوقف بوده باشد

یشتهاد آقای تدین مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی- یشتهاد میکنم که جزو چهارم از ماده بطریق ذیل مقرر شود

جزو (۴) سن ایشان کمتر از سی و زیاد از هفتاد سال نباشد باستانی اشخاص فارغ التحصیل از مدارس عالی که در سن ۲۵ سالگی میتواند انتخاب شوند

یشتهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب بنده یشتهاد میکنم قسمت ششم از ماده یازدهم اینطور نوشته شود اقل سه سال در محل انتخاب ساکن بوده باشد

یشتهاد آقای سر کشیک زاده - بنده یشتهاد میکنم قسمت ۶ از ماده یازدهم بطریق ذیل نوشته شود

۶- در هر کدام از نقاطیکه حوزههای انتخابیه تشکیل میشود لاقلاً یکسال متوقف داشته باشد

یشتهاد آقای یاسائی - بنده یشتهاد میکنم فقره ۳ از ماده یازدهم اینطور اصلاح شود

۳- اقل صاحب تصدیقنامه مدارس ابتدائی بوده یا لاقلاً معلومات کلاس ششم ابتدائی را دارا باشد

یشتهاد آقای تقی زاده یشتهاد میکنم شرط اول اینطور نوشته شود خود و دیوشت او تبعه ایران بوده باشد

یشتهاد آقای شیروانی- بنده یشتهاد میکنم قسمت اول ماده یازدهم اینطور اصلاح شود

۱- ذکور تبعه ایران باشد و قسمت اول ماده دوازدهم حذف شود

یشتهاد آقای سلطان العلماء مقام متبع ریاست جلیله یشتهاد میکنم که شرط ششم از ماده ۱۱ اینطور اصلاح شود ۶ اهل

مثلا وقتی که می آید جواب بدهند اصلا خاطرشان نیست که سؤال چه بوده است و در چه موضوع سؤال شده است خوبست زودتر تشریف بیاورند و جواب سؤالات را بدهند خاصه سؤال بنده که راجع یوزارت مازف و مالیه است و موقوفش هم میگردد مخصوصاً آن قسمت که راجع بحقوق ملین مدارس کربلا و کاظمین است که لااقل اطفال ایرانی که در خارج تحصیل میکنند راجع باشند.

نایب رئیس - آقای عدل الملک (اجازه)

نایب رئیس - راجع بدستور و مذاکره میشود ولی قبل از دستور پیشنهاد شده است چند فقره راپرت که از کمیسیون عریض و مرخصی رسیده است قرائت و تکلیف آنها معلوم شود.

(خبر راجع برخصی آقای تدین بمضمون ذیل قرائت شد)

آقای تدین نماینده معترم تقاضای ده روز رخصت غیبت کرده اند از تاریخ هفتم جدی - کمیسیون تصویب مینماید که غائب با اجازه نوشته شود

نایب رئیس آقای تدین (اجازه)

عدل الملک در چندین قبل بنده اینجا راجع براه مازندران سؤالی از آقای وزیر فواید عامه نمودم ایشان هم یک جواب دادند که بگمان بنده آلتوری که منظور ایشان بوده متمسک نشده ایشان گفتند که باید اساس راه را دولت درست بگیرد و درست کند و نگفتند که دولت خودش مصمم است راه را درست کند و هر کس که تقاضای تعمیر و اصلاح راه را بکند دولت مضایقه می کند البته منظورشان این قسمت نبوده است و چون این خبر بعوضه انتصابیه بنده رسیده آن شوق و رغبت و احساساتی را که آنها برای ساختن راهها داشته اند قه کرده است.

یعنی اینطور فهمیده اند که دولت می خواهد خودش راهها را درست کند و نمی خواهد آنها را تشویق بساختن راه کند.

نایب رئیس - حالا میفرستم اگر حاضر است یا اورند عجلتاً سایر راپرتها قرائت می شود.

(شرح ذیل قرائت شد)

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده موافقم لکن خواستم از آقای سردار عشایر تقاضا کنم همانطور که سایر آقایان هم عین کار را کرده اند حوقشان را بکتابخانه مجلس تخصیص بدهند.

سردار عشایر - تقدیم کردم و این که بنده تقاضای مرخصی کرده ام برای این است که بمجلس بی اثباتی نکرده باشم البته وظیفه بنده این است که احترام مجلس را منظور نمایم.

برای حقوق نبوده و حقوق خود را هم با کمال افتخار تقدیم کتابخانه نمودم و اینرخصی را هم برای اصلاح مزاج تقاضا نمودم البته از هزوفت اجازه فرمایم مرخص می شوم.

نایب رئیس - رأی میگیریم برابرت کمیسیون عریض آقایانیکه موافقت قیام نمایند.

(قریب اتفاق قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد - خبر دیگر

(شرح ذیل خوانده شد)

آقای المونی نماینده معترم بواسطه ارتحال مرحومه والدۀ خودشان معتذر از حضور در جلسات شنبه بیستم و یکشنبه بیست و یکم و سه شنبه بیست و سیم جدی بوده اند کمیسیون عریض ایشان را متوجه دانسته فیت با اجازه ایشان را تصویب مینماید

نایب رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد - راپرت دیگر

(شرح آتی خوانده شد)

آقای داور نماینده معترم بملت کسالت مزاج تقاضای اجازه فیت دوماه از تاریخ هشتم جدی کردند کمیسیون عریض ایشان را پذیرفته و تصویب مینماید

نایب رئیس - مخالفی نیست؟

عادل السلطنه - بنده مخالفم

نایب رئیس - بفرمایند.

عادل السلطنه - علت مخالفت بنده این است که در این موع که بعضی از لوابیح مهم در کمیسیون قواین مالیه تحت مطالعه و شور است و آقای داور هم مغیر آن کمیسیون هستند و افکار ایشان را کمیسیون لازم میدانند

لهدا خوبست عجلتاً اینرخصی را تا قبل از عید بگذارند باشد و بعد از حمل اجازه بگیرند

بعضی از نمایندگان - صبح

نایب رئیس - تصویب شده راپرت اولیه هم در روز بود خود ایشان تقاضای دو روز کرده اند آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(جمع کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد - راجع بدستور چند فقره پیشنهاد شده است قرائت میشود.

(پیشنهاد آقای اعتبارالدوله باین مضمون قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم خبر اعتبارنامه آقای مساوات جزو دستور شود.

نایب رئیس - رأی میگیریم بعضی از نمایندگان - رأی لازم ندارد

نایب رئیس - آقای حاج آقا اسمعیل در این موضوع فرمایش دارید.

حاج آقا اسمعیل - بلی اولاً مطابق جریان و سابقه مجلس که دیده ایم این پیشنهاد را لازم ندارد ثانیاً هر اعتبارنامه که بآن مخالفت میشد طبع و توزیع میشد و بعد وارد در آن می شدند و هنوز این راپرت طبع و توزیع نشده باید طبع و توزیع شود بعد در آن مذاکره شود

نایب رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - جریانیکه آقای سید محمد علی سید یعقوب - بنده موافقم لکن چون آقای سید محمد علی سید یعقوب خیرات هستند خوبست حقوق این مدت مرخصی را بدهند بکتابخانه که بصرف خیرات برسد

نایب رئیس - آقای سردار معتدل (اجازه)

سردار معتدل چون آقای سید محمد علی کسالت وارند و حاضر نیستند این موضوعی را که ایشان فرمودند ممکن است بماند تا موقتی که خودشان تشریف بیاورند و جواب آقا را بدهند

گازرونی - بنده عرض می کنم تقاضای ایشان تقاضای نام مشروع نیست پذیرفتن یا نپذیرفتن آنهم بسته برای مجلس است

باشد اگر حق ندارند از حقوق خود استفاده کنند که هیچ و اگر حق دارند که باید بگیرند - خیرات هم خوبست خودمان بگیریم

نایب رئیس - رأی میگیریم برابرت کمیسیون آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(جمع کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد - راپرت راجع برخصی آقای تدین هم رسیده قرائت میشود

آقای تدین نماینده معترم بواسطه کسالت مزاج اجازه غیبت یک هفته از تاریخ بیست و هفتم جدی کرده اند کمیسیون عذر موجه ایشان را تصویب مینماید

نایب رئیس - رأی میگیریم باین راپرت

مدیرس - با آن دوروز

نایب رئیس - آن دوروز در راپرت اولیه بود و ملحقه باید رأی گرفته شود رأی میگیریم باین راپرت که تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

پس بنده اگر مخالفتی کرده ام راجع به جریان انتخابات ساوجبلاغ بوده است که شاید در نظر اکثر آقایان نمایندگان معلوم و معقوف شده باشد که جریان انتخابات اینجا در این اواخر چه صورتهای عجیب و غریبی بخود گرفته بود.

بنده خواستم بنام دفاع از یک نفر نماینده حقیقی ساوجبلاغ که شاید اکثر آقایان نمایندگان هم ملتفت شده باشند که وکیل حقیقی ساوجبلاغ حاج بابا شیخ است که یکی از مرشدین معترم ولایت مکرری است و اکثر اهالی ساوجبلاغ از روی عقیده و احساسات بایشان رأی داده اند و شاید در مقابل بعضی مقاومت هائی که بنده حالا نمی خواهم داخل در آن بشوم از روی عقیده و احساسات هزار و دویست رأی بایشان داده اند.

بنده می خواستم بنام دفاع از این شخص معترم که بحقیقت وکیل ساوجبلاغ است و بنام دفاع از موکلین حقیقی حاج بابا شیخ که از روی حقیقت و عقیده بایشان رأی داده اند.

اعتراضاتی که بنظرم رسیده است به عرض مجلس شورای ملی برسانم و بنا به خواص جسمی از نمایندگان معترم که همیشه خواهش هم مسلکان معترم خودم را معترم بشمارم و نظر باینکه مایوسم از ایننگه آن وکیل حقیقی باین مجلس بیاید فرضاً نمایندگان آقای مساوات رد بشود آن وکیل حقیقی نخواهد آمد

از این دو جهت بنده اصراری ندارم و اعتراضات خودم را هم عرض نمی کنم دوسیه را هم این جا نمی خوانم و فقط قضاوت این قضیه را هم بحکمت مجلس شورای ملی واگذار میکنم بیشتر از اینهم عرض ندارم.

بعضی از نمایندگان - رأی بگیرند.

نایب رئیس - رأی میگیریم برابرت راپورت شعبه آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد - لایحه مالیات تصاعدی جزو دستور بود.

آقای مغیر استرداد کردند.

داور (مخبر کمیسیون) - در اول جلسه هم بطور اختصار عرض کردم که این لایحه در کمیسیون قبل مطرح بود و مغیر معترم قبل راپورت آنرا تهیه کرده بودند و از تقدیم این راپورت این نظر را داشتم که در مجلس شورای ملی مذاکره بشود و نظریات آقایان نمایندگان بطور کلی راجع باین لایحه معلوم شود و بعد در صورت لزوم کمیسیون تجدیدنظری درش بکند.

حالا چون بعضی از آقایان نمایندگان

بیانات خودشان را قمرمودند و نظریات آقایان نمایندگان بطور کلی معلوم شد نظر کمیسیون این است که در این لایحه تجدیدنظری بکند.

بنابراین تقاضا کردم از دستور خارج شود و برگردد و پس از آنکه در کمیسیون مطالعه و تجدید نظر شد راپورت جدیدی تهیه و تقدیم خواهد شد.

نایب رئیس - آقای تدین مخالفید؟

تدین - بنده قبل از آنکه در این خصوص اظهار عقیده بکنم که باید در این خصوص یک پیشنهاد کتبی شود.

مغیر نمیتواند یک راپورتی که از طرف کمیسیون به مجلس آمده است استرداد کند.

ایشان هم البته این مقصود را نداشته اند ولی برای این که نظامنامه محفوظ بماند بنده تقاضا میکنم خودشان با یکی از آقایان نمایندگان کتبا پیشنهاد کنند که برگردد کمیسیون.

داور - پیشنهاد شده است.

نایب رئیس - در این موضوع پیش نهادی از طرف شاهزاده شیخ الرئیس رسیده است.

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم لایحه مالیات تصاعدی برگردد بکمیسیون بمساز تجدید نظر مطرح شود.

نایب رئیس - پیشنهاد دیگری هم از طرف آقای شریعت زاده رسیده است (باین مضمون قرائت گردید)

بنده پیشنهاد می کنم برای اینکه کمیسیون جدیداً مطالبات کاملی در قانون مالیات تصاعدی بنماید جز کمیسیون سابق بکمیسیون رجوع شود.

یاسانی - بنده مخالفم.

نایب رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - آقای داور در ضمن توضیحشان فرمودند این خبر در کمیسیون سابق تهیه شده است ایشان هم همان خبر را تقدیم مجلس کرده اند و در نتیجه شور در کلیات عقاید آقایان و کلاء معلوم شد و همچو احساس فرموده اند که کمیسیون تجدیدنظری در آن بکند.

در پیشنهاد هم (کمیسیون جدید) نوشته شده (جدیداً) نیست تقاضای بنده هم این است که این لایحه بکمیسیون جدید مراجعه شود پس از آنکه در آن مطالعه و تجدیدنظر شد راپورتش را بمجلس تقدیم نمایند.

نایب رئیس - آقای یاسانی (اجازه)

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - بنده هم توضیح دارم.

یاسانی - فلسفه اینکه نظامنامه برای اغلب لوابیح شور کلیات و دو شور معین

کرده است برای این است که نظریات آقایان نمایندگان در ضمن شور کلیات و شور اول معلوم شود و برای شور ثانی این نظریات تأمین شود و از طرف کمیسیون مجدداً بمجلس راپورت بدهند.

اینها یک ترتیبی است که قانون و نظامنامه پیش بینی کرده است و بعقیده بنده در این لایحه هم مطابق نظامنامه باید دو شور بشود.

در شور اول راجع بکلیات این لایحه مذاکره می شود و نسبت بکلیات این لایحه نظریات آقایان نمایندگان بطور عموم معلوم شد.

نسبت بپوشش هم یک نظریاتی دارند کدر شور اول معلوم می شود آنوقت میرود بکمیسیون هم نظریاتی که فرمودند تأیید مرتب و مدون میکنند و بمجلس راپورت میدهند دوم مرتبه در اینخصوص در مجلس مذاکره می شود پیشنهاد می شود و نسبت بپیشنهادات توضیح داده می شود و بالاخره رأی گرفته می شود.

والا اگر ماقابل بشویم که برای هر لایحه چندین مرتبه شور بشود و مجدداً بکمیسیون برگردد هیچ لایحه از مجلس نخواهد گذشت.

نسبت باین لایحه هم بعقیده بنده نظریات آقایان نمایندگان معلوم شده است و هر نظریه هم که کمیسیون قواین مالیه دار ممکن است در موقع شور ثانی آن نظریات را تمهیب کنند.

(بعضی از نمایندگان - صبح است)

والا بنده مخالف هستم که برای یک لایحه چندین مرتبه شور بشود و مدتی وقت مجلس تلف بشود و بالاخره یک موضوعی که بنظر بنده خیلی اساسی است بشوینق بیفتد.

زیرا ماهه که در نظر دارم یک سلسله مالیاتهای ظالمانه را منقذ کنم باید بجای آنها هم یک چیز هائی وضع کرد و آقایان هم که یک نظریات دیگری برای وضع مالیات دارند ممکن است بگویند و هم متعاقباً که راجع بمسائل دیگر هر طرح پیشنهاد میکنند.

البته راجع بمسائل مالیاتی هم اگر نظریات بهتری دارند لایحه بدهند بهر جهت درسته آتی بنده شخصاً قیدم این است که بیک قسمت از این مالیاتها بنام آقای داد بنابر این باید بجای آنها چیز هائی هم وضع کرد.

حالا آقایان میخوانند این قضیه را بشوینق بیندازند برود بکمیسیون قوانین مالیه و پنج ششمه دیگر محصل شود مثل لایحه قانون میزبانی و بعد از آن بیاید بمجلس باز شود اول و ثانی و بالاخره دوره مجلس تمام شود این قضیه از بین برود این است عریض چند

نایب رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - کلیتاً بنده مناسب با همکاری یکدیگر نمیدانم که وکلای در صحبتهای خودشان علاوه بر انتقاد يك تهمت هائی هم بعهديگر بزنند.

آقای یاسائی چه مناسبت این تهمت را بما ميزند که ميگویند مقصودشان این است که این لایحه از بین برود کی مقصودش این است؟ و کی این حرف رازده است؟ کی موافق است که مالیات طالبانه بجای خودش بماند و مالیات عادلانه تر گرفته نشود؟

اگر بنده مخالف هستم با مالیات تصاعدي مخالف هستم با طرز اجرای آن والا بنده البته موافق هستم با اینکه جمعی که تاکنون مالیات ندادند امروز قبول مالیات بکنند و مجلس هم باید برایشان مالیات وضع کند ولی ترتیب عادلانه که قابل اجراء هم باشد و این لایحه هم سه شورش چهار شورش نشده است در آن موادی هم که مذکر شده است

بعادلان همین که يك موافق و مخالف صحبت می کند ميگویند مذاکرات کابینت نظریات کسی در این جا معلوم شده ؟

منابر این بهتر این است همانطور که خود کمیسیون هم موافق بود بکمیسیون کمیسیون دقت بکنند و ترتیب بهتری برای وصول این مالیات بنده ما هم تامل کنیم که مجلس بیاورد و هر وقت که مجلس آورد حرف بزیم

و نظر آقایانرا هم که ملتفت شدیم دو مرتبه منگن است بکمیسیون برود هر کس هم که نظری دارد بگوید که کمیسیون در تحت چند ماده که قابل اجرا و مالیات هم سهل الوصول باشد این لایحه را بمجلس بیاورد و مجلس هم رأی بدهد هیچ کس مقصودش نیست که يك جمعی را از مالیات معاف بکنند و يك جمعی دیگر تعدی شود

منتها در عبارات و در طرز اجرای آن مخالف نیستند بنا بر این بنده متقدم که آقایان از این تهمتها بيگديگر فرزند و دلایل مخالفت من هم اینها است که عرض کردم و کسی قصد ندارد که این مالیات از بین برود و رد شود.

نایب رئیس - پیشنهادی برای کفایت مذاکرات رسیده است.

قدین - بنده کافی نمیدانم . . .

نایب رئیس - بفرمائید.

قدین - هر قانونی که اهمیتش زیاد تر باشد بیشتر باید طرفش در وقت و توجه

واقع شود از قوانین مهمه و قوانینی که در درجه اول است قانون است که در آن وضع مالیات میشود.

مخصوصاً در مملکت ما بنا بر این لایحه مالیات تصاعدي که بمجلس آمده است يك لایحه است که اگر دقت نشود پس از تصویب قطعاً تولید يك زحمت و صدمه فوق العاده برای اهالی مملکت ایران میکند لذا بنده عقیده ندارم که این قانون بیفتم در مورد احساسات .

یکی از کله تصاعد بدش باید بود یکی از کله تصاعد خوشش بیاید.

البته که ماها نباید نیش بهم بزیم بنده اظهار عقیده می کنم که فلان لایحه برود بکمیسیون معنائش این نیست که فلان نماینده بن اعتراض بکنند که تومی خواهی این قانون را زیر پا بگذاری.

با اگر من عقیده دارم بر نترکد بکمیسیون معنائش این نیست که بگویند میخواهی این قانون را با حق مردم بجایی و بالاخره رأی اکثریت قاطع است يك نفر هم که اکثریت ندارد

این لایحه از لوائح خیلی مهم است و هیچ ساقه تاکنون در ایران نداشته (در دنیا سابقه دارد و در خیلی جاها سابقه دارد ولی در ایران سابقه ندارد) یعنی از نقطه نظر شرعی شاید سابقه نداشته باشد عجالت در آن موضوع وارد نیست ولی اینکه گفته می شود بر گردد بکمیسیون برای اینکه کمیسیون قوانین مالیات نظریات نمایندگان محترم مسبوق شده است بنده عرض می کنم اینطور نیست برای اینکه چهار پنج نفر . . .

نایب رئیس - این مخالفت در کفایت مذاکرات نیست.

تدین در همان عام کفایت مذاکرات عرض میکنم چهار پنج نفر حرف زده اند یکمده در این چند روزه يك صدمه هم در آن چند روز در یکماه قبل هر کدام هم يك ساعت یکساعت ونیم یا کمتر صحبت کرده اند يك نفر از اشخاصی که ملافتند این قانون هستند بنده هستم که نوبت به بنده نرسیده حرف بزیم کمیسیون قوانین مالیات از کجا میداند که بنده بفروهم چه بگویم.

دیگر آنکه آماده اول فقط مطرح شده است و لایحه نیست مواد دیگری هم دارد بنا بر این چطور در این باب مذاکرات کافی است و از هول حلیم توی دیک می افتیم یا اینکه در می کنیم و يك زحمتی تولید می کنیم یا تصویب کنیم زحمت دیگری تولید می نائیم

آقا سید یعقوب - این مذاکره در پیشنهاد است.

تدین - در همان پیشنهاد بنده مخالف با این پیشنهاد هستم و شما مذاکرات را کافی می دانید نیگذارید حرف بزیم و آقایان را متقاعد کنیم.

بنده مذاکرات را کافی نمی دانم و يك دلایلی هم دارم بعد عرض می کنم نایب رئیس - بعداً در کفایت مذاکرات رأی گرفته می شود بعد بخود پیشنهاد آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند راجع باین پیشنهاد خصوص لایحه مالیات تصاعدي (همه بین نمایندگان)

نایب رئیس - يك پیشنهاد شده است که این لایحه برگردد بکمیسیون معنائش در کفایت مذاکرات گرفته می شود بکفایت مذاکرات که کافی می دانند قیام فرمایند همه کمی قیام نمودند.

نایب رئیس - تصویب نشد.

ارباب کبخیرو - اظهار نظامنامه دارم.

نایب رئیس بفرمائید

ارباب کبخیرو - هیچ معمول نبوده است و در نظامنامه هم نیست که در يك پیشنهادی بکفایت مذاکرات آن رأی گرفته شود.

در هر پیشنهادی يك نفر توضیح می دهد و یک نفر هم از اعضای کمیسیون جواب می دهد دیگر رأی گرفتن بکفایت مذاکرات مورد ندارد.

نایب رئیس - آن پیشنهاد هائی که می فرمائید اصلاحاتی است که ارجح میشود بکمیسیونها این يك پیشنهادی است که در مجلس مطرح می شود و مربوط بآن اصلاحات نیست که یک نفر از طرف کمیسیون جواب بدهد یا نه.

آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء - راجع بدستور عرض دارم.

نایب رئیس - رأی داده شد که مذاکرات کافی نیست مذاکره در اطراف پیشنهاد است.

آقای مشار اعظم (اجازه)

مشار اعظم - بنده گمان می کنم این پیشنهاد از نقطه نظر یکی نوشته شده است بیشتر برای این بوده است که هم آقایان موافقین و هم آقایان مخالفین يك اشکالاتی برنخورند، در این پیشنهاد توضیح شده است که این لایحه بر گردد بکمیسیون قوانین مالیات و کمیسیون قوانین مالیات با احاطه که بنظریات کلیه نمایندگان پیدا کرد با اطلاعاتی که بعد از نظریات نمایندگان در خود کمیسیون پیدا میکند این لایحه را بيك نحو بهتری تنظیم کنند و گمان می کنم این است

موضوع بانظر آقایان موافقین لایحه هم مخالفتی نداشته باشد و ضرری هم نداشته باشد.

زیرا مقصود آقایان این است که مالیات تصاعدي که دولت پیشنهاد کرده است اجرا شود.

پیشنهاد کننده هم که این موضوع اظهار مخالفتی نکرده است.

چون راجع باین موضوع يك اختلاف نظری در مجلس شورای ملی پیدا شده است و تشکیل این مواد برای این مقصود کافی نیست.

بهر این است که این مواد بيك ترتیب بهتری اصلاح و تنظیم شود و ثاباً در کمیسیون شورای ملی شود و بعد هم در آن باب مذاکره میکنند.

اعتراض باین که سابقه نداشته و لوائحی که می آمده است همیشه دستور داشته بگویند عقیده بنده اینها هیچ مورد ندارد.

بسیار خوب در لوائحی که در شور اول می شود برای این است که در شور اول آقایان نظریاتی میکنند.

ولی این در يك لوائحی است که اصلاً تنظیمش صحیح و متناسب بود ولی این لایحه اصولاً موادش خوب تنظیم نشده و مخالفین لایحه اگر اظهار کرده اند برای همین موضوع بود والا کسی مخالف با اینکه مالیات باید گرفته شود نبود و همه موافق بودند که يك مالیات صحیح مناسبی که نه بل اوبر اغتیا و صاحبان ثروت باشد وضع شود و بوقع اجرا هم بگذارند

ولی نباید در وضع این مالیات همین که يك فکری پیدا میشود آن فکر خود را تسخیر و بدون فقه و قواعد بپارند بمجلس شورای ملی

این فکر در این لایحه آنطوری که باید تکمیل شود نشده است

پیشنهاد کنندگان هم موافقت کرده این قانون در موقع خودش عمل و اجراء بشود

ولی بيك نحوی که منظم و مرتب باشد و در موقع اخذ مالیات تصاعدي و تحقیق هوائد مردم يك اشکالاتی پیش نیاید که معلوم نشود کسی چه هوائدی داشته و در موقع اجراء اشکالاتی پیش نیاید بنا بر این مخالفتی ندارد

لایحه می رود بکمیسیون قوانین مالیات و اعضا کمیسیون قوانین مالیات اگر خودشان صاحب فکر و منطقی هستند اعمال نمینمایند و اگر نمایندگان دیگر نظریات مهمی پیدا کرده اند آنها هم نظر خودشان را به کمیسیون قوانین مالیات میدهند و کمیسیون هم يك لایحه بهتری بمجلس می آورد که آن مشکلاتی که اینجا نسبت باین موضوع در مرحله اول پیش می آید پیش نیاید و قانون هم صحیح تر می شود و زود تر می

گذرد؟

آقای یاسائی هم که اعتراض میکنند کمیسیون قوانین مالیات کارها را معطل گذاشته و لایحه میزنی را بهمه تعویق انداخته بنظر بنده این اعتراضات وارد نیست

قوانینی که باید در مملکت اجرا شود برای اصول مهمه البته مستلزم این است که خیلی دقت بشود

(از طول کلام بنده هم متأثر باشید) نظری در مجلس شورای ملی پیدا شده است و تشکیل این مواد برای این مقصود کافی نیست.

بهر این است که این مواد بيك ترتیب بهتری اصلاح و تنظیم شود و ثاباً در کمیسیون شورای ملی شود و بعد هم در آن باب مذاکره میکنند.

اعتراض باین که سابقه نداشته و لوائحی که می آمده است همیشه دستور داشته بگویند عقیده بنده اینها هیچ مورد ندارد.

بسیار خوب در لوائحی که در شور اول می شود برای این است که در شور اول آقایان نظریاتی میکنند.

ولی این در يك لوائحی است که اصلاً تنظیمش صحیح و متناسب بود ولی این لایحه اصولاً موادش خوب تنظیم نشده و مخالفین لایحه اگر اظهار کرده اند برای همین موضوع بود والا کسی مخالف با اینکه مالیات باید گرفته شود نبود و همه موافق بودند که يك مالیات صحیح مناسبی که نه بل اوبر اغتیا و صاحبان ثروت باشد وضع شود و بوقع اجرا هم بگذارند

ولی نباید در وضع این مالیات همین که يك فکری پیدا میشود آن فکر خود را تسخیر و بدون فقه و قواعد بپارند بمجلس شورای ملی

این فکر در این لایحه آنطوری که باید تکمیل شود نشده است

پیشنهاد کنندگان هم موافقت کرده این قانون در موقع خودش عمل و اجراء بشود

ولی بيك نحوی که منظم و مرتب باشد و در موقع اخذ مالیات تصاعدي و تحقیق هوائد مردم يك اشکالاتی پیش نیاید که معلوم نشود کسی چه هوائدی داشته و در موقع اجراء اشکالاتی پیش نیاید بنا بر این مخالفتی ندارد

لایحه می رود بکمیسیون قوانین مالیات و اعضا کمیسیون قوانین مالیات اگر خودشان صاحب فکر و منطقی هستند اعمال نمینمایند و اگر نمایندگان دیگر نظریات مهمی پیدا کرده اند آنها هم نظر خودشان را به کمیسیون قوانین مالیات میدهند و کمیسیون هم يك لایحه بهتری بمجلس می آورد که آن مشکلاتی که اینجا نسبت باین موضوع در مرحله اول پیش می آید پیش نیاید و قانون هم صحیح تر می شود و زود تر می

متأسفم که لایحه معافیت ماشینهای فلاحتی تاکنون نگذاشته است.

بنده آنرا خیلی نافع می دانستم و تصور نمی کردم که مخالفی پیدا کند حالا عقیده آزاد است و آقای مستند السلطنه مخالفت کردند رأی بگیرند و تصور میکنم که اگر با این پیشنهاد آقایان موافقت کنند خیلی بهتر است

نایب رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای داور آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اقلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد (خیر کمیسیون قوانین مالیات راجع بمشاین های فلاحتی شرح ذیل قرائت شد)

کمیسیون قوانین مالیات راجع بمشاینهای آقای یاسائی که ادوات فلاحتی نیز معاف از حقوق ورودی گمرک شود موافقت کرد و در موضوع پیشنهاد آقای افشار راجع به این که مدت معافیت پنج سال و اتموبیلهای سواری مشمول معافیت نباشد پس از مطالعه نظر ذیل را اتخاذ کرد :

بازگشای موتور دار مطلقاً و اتموبیل سواری در صورتیکه زیاد از هفتصد تومان قیمت نداشته گمرک معاف است.

نایب رئیس - آقای مخبر این راجع صورتی درمی آید؟

داور - عرض میکنم يك قسمتش که راجع باشاه کردن ادوات فلاحتی است راجع اول می شود يك قسمت دیگر هم راجع بمشاین های موتور دار است که جزء ماده سوم میشود

نایب رئیس - ماده اول که رأی داده شد است

داور - اجازه مبارتی؟

نایب رئیس - (کلبه ماشینهای صنعتی با قطعات آنها و نیز کلیه ماشینها و ادوات فلاحتی و یا قطعات آنها از تاریخ تصویب این قانون تا ده سال از حقوق ورودی گمرک معاف خواهد بود)

مخبر - بعد در ماده دوم راجع به بارگش ها است که ماشینها و ادوات فلاحتی را یعنی آن وسایط نقلیه که ماشین های فلاحتی را حمل می کنند باید باج راه ندهند آنوقت باید بر آن تکه هم ادوات فلاحتی بطوری که آقای یاسائی پیشنهاد کردند اضافه شود

نایب رئیس - این ماده دوم میشود برای این که در ماده اول و تبصره تصویب شده است و این ماده دوم می شود که باز گشای موتور دار مطلقاً و اتموبیلهای سواری در صورتی که هفتصد تومان بیشتر قیمت نداشته باشد تا ده سال از حقوق گمرکی معاف خواهند بود.

قائم مقام - عهه کافی نیست

داور - اکثر آقایان موافقت

نفس داده شود تا این مواد مرتب شود

نایب رئیس - بلی موافقت ترتیب داده میشود بعد از تنفس مطرح می شود

آقا سید یعقوب - خوب است قانون دیگری مطرح شود

نایب رئیس - تنفس داده می شود (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل ویس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

نایب رئیس - خیر کمیسیون قوانین مالیات راجع به ماده دوم این لایحه قرائت میشود.

آقا سید یعقوب - يك پیشنهادی عهه از آقایان تقدیم کرده بودند

نایب رئیس - پیشنهاد راجع به ماده دوم آقا سید یعقوب - راجع بدستور است که چهار نفر امضا کرده اند

نایب رئیس - چون راجع بدستور است دستور هم همین شده بعد از دستور قرائت می شود

(خیر کمیسیون قوانین مالیات راجع به ماده دوم شرح ذیل خوانده شد)

ماده دوم - بازگشای موتور دار مطلقاً و اتموبیلهای سواری در صورتی که زیاد از هفتصد تومان قیمت نداشته باشد تا ده سال از حقوق ورودی گمرک معاف است

لایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - در این پیشنهادی که راجع باین ماده نسبت باتموبیل و نسبت بازرگش شده کمیسیون نسبت بازرگش را موافقت کرد ولیکن نسبت باتموبیل باژ ماخذرا هفتصد تومان گرفته در صورتیکه من پیشنهاد کرده حالا هم در پیشنهاد خودم هرایش می کنم بنده عرض کردم آن چیزی را که منافع عیال مملکت و عموم می دانیم (چون ما در اینجا نظر خصوصیتی که نداریم نظرمان به مصالح عموم و منافع است) و چیزی که تمام مملکت از آن استفاده می کنند باید ملاحظه تسهیلات و رفاه عامه در او بشود.

اما اگر تصور شود که راجع بيك طبقه خاصی است بنده يك نفر نماینده عموم خود را میدانم مخالف هستم - عرض کردم معافیت اتموبیل از گمرک معنی ندارد اتموبیل را برای سواری می آورند اگر اتموبیل به عنوان کرایه باشد عیبی ندارد.

ولی حالا آمده اند تخصیص داده اند که اتموبیل از هفتصد تومان کمتر معاف باشد اتموبیل فرد یا اتموبیلهای دیگر هم چهارصد تومان و یا صد تومان قیمت دارد پس فردا در این مملکت تمام اتموبیل سوار می شوند چرا؟

برای اینکه از گمرک که معاف است

از باج راه هم معاف است آن روز هم عرض کردم فقط ترویج يك مقدار فوق العاده بنزین خواهد شد پس چون اتموبیل در واقع يك مرکب تجلی است نه برای نفع عموم این است که نسبت باتموبیل بنده مخالف بودم پیشنهاد خودم هم عرض کردم

لیکن راجع بازرگش چون حمل و نقل و برای تسهیل بردن یا راست موافقت و نسبت باتموبیل مخالفم و نمی دانم مخبر محترم نسبت باتموبیل از چه نقطه نظر آمده اند تخصیص داده اند که از هفتصد تومان به پایین از حقوق گمرک معاف باشد؟

فردا هر کس که چهارصد تومان یا صد تومان پول دارد می دهد برای خرید اتموبیل پس حالا که می خواهید از گمرک معاف باشد دیگر از باج راه چرا معاف باشد؟

نایب رئیس - آقای طهرانی . . .

طهرانی - مخالفم . . .

نایب رئیس - آقای قائم مقام (اجازه)

قائم مقام مخالفم . . .

مخبر - در این ماده دوم که خیرش را تقدیم مجلس کردم دو قسمت دارد یکی راجع بازرگش های موتور دار و يك قسمت راجع باتموبیل چون راجع به قسمت بازرگش کسی مخالفت نکرده است باین مناسبت البته بنده هم جوابی عرض نمیکنم فقط راجع به قسمت اتموبیل می خواهم نظر کمیسیون و دلایلی که بنظرش رسیده است عرض بمجلس برسانم.

البته در اینجا ممکن است یکمده زیادی عقیده نداشته باشند و شاید اگر اجازه بدهند بنده هم موافق عقیده شخص خودم (نه از نقطه نظر کمیسیون) در موقع رأی اگر تجزیه شود باین قسمتش رأی ندهم.

ولی راجع به نظر کمیسیون عرض می کنم اول پیشنهاد آقای تقی زاده که مطرح شد و چون يك طوری بود که جامع بود و ممکن بود شامل تمام اقسام وسایط نقلیه شود من جمله اتموبیل لذا کمیسیون لازم دانست این قسمت را تشریح و توضیح کند تا اینکه هر کس بخواهد باتموبیل را می بدهد و آقایانی که نمی خواهند فقط بسمت بازرگش رأی بدهند.

در قسمت اتموبیل در خود کمیسیون هم اختلاف نظر بوده است منتها اکثریت کمیسیون همچو تصور کرد که اگر وسایط نقلیه زیاد شود و حتی برای مسافری هم تسهیلاتی شود ولو اینکه برای بار نباشد یعنی آنهایی که فقط برای حمل و نقل مسافر است برای آنها هم تسهیلاتی فراهم شود خوب است در ضمن آن کار کردند که آیا ممکن است يك کاری کرد که

نوشته شود اتوموبیلهائی که برای مسافر است گمرک نمهند و آنهاستیکه برای سواری در شهر است بدهند دیدیم این اشکالات بزرگی دارد و نمی شود در ماده قانون ذکر کرد و اگر بخواهیم برای مسافر تسهیلاتی شده باشد ناچاریم از آنهائی هم که در شهر برای سواری بکار برده می شود صرف نظر کرده آنها را هم معاف کنیم و برای اینکه نظری که در دفعه پیش در مجلس اظهار شده بود چندان با قیمت اتومبیل موافق نبود قیمت اتومبیل باین آورده شد یعنی دفعه اول هزار تومان بود و هفتصد تومان شد حالا با وجود این بنده نمی خواهم اینجا اصرار فوق العاده بکنم آقایان ملاحظه فرمایند البته تمام مسائل له و علیه دارند. بیانیانی که آقایان مخالفین کردند صحیح است و بیک قسمت از اعداد دولت هم همانطوریکه فرمودند ضرور در ملاحظه ولی خوبست تمام اطراف مسئله را مطالعه کنند و چون در قسمت بارکش که نظر کمیسیون و علاقه اش به آن بیشتر بود در مجلس هم اکثریت آقایان تصور می کنند تصدیق فرمایند که آن قسمت خیلی مهم است و اگر کسی مخالفت کرد بعد دلایلی عرض می کنم و در قسمت اتومبیل هم گمان می کنم تکرار نباید شود دلایل آقایان گفته شده است نظر کمیسیون هم همین بود که عرض کردم حالا اگر آقایان می خواهند تصدیق می کنند و الا تقاضای تجزیه می شود آنوقت قسمت بارکش طبعه رای می دهد و در قسمت اتومبیل هر طور می بخواهند عمل می کنند

نایب رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - این ماده مشتمل بر سه جزء است بنده در دو جزیش مخالفم و در یک جزیش موافق. نسبت به بارکش موافق دارم که مطلقاً حقوق گمرک معاف است موافق هستم لیکن نسبت به سه سال. مخالفم و نسبت به اتومبیل سواری هم مخالفم.

اما ده سال را چرا مخالفم برای اینکه احتمال می دهیم بلکه مضمون این است که تا پنجسال دیگر مملکت ما بتواند خودش برای مملکت یک کارخانه های اتومبیل سازی بی آورد

اگر ما تا ده سال را آمدیم رای داریم زمانی که یک کارخانه یا شرکتهائی برای اتومبیل سازی درست شد نتیجه این اضمحلال آن شرکت خواهد شد چون وقتی از گمرک معاف شد اشخاصیکه در خارج هستند یعنی تجاری که در خارج ایران هستند و ایرانی نیستند ممکن است اتومبیل های بارکش بیآورند و ارزان تر از اتومبیلهائی که در ایران درست میشود بفرشند و باعث نکت تجارت می شود حالا تا پنجسال رای می دهیم اگر بعد از پنجسال

دیدیم همچو کارخانه هائی در مملکت تأسیس نشد ممکن است ثانیاً در صورتیکه احتیاج باشد پنجسال دیگر هم اضافه شود باین ملاحظه بنده مخالف هستم اما نسبت به اتومبیل های سواری بنده خیلی خورسند میبندم که ما بنام وکلای یا برهنه حرف میزدیم و عامه یا برهنه بنام وکلای اشراف که ترصحت می کردیم اولاً اتومبیل سواری اختصاص دارد بیک دسته خاص طبقه عالی مملکت هستند مادر اینجا بکوت وضع مالیات می کنیم بر قراء یک وقت هم مالیات موضوعه ز اغنیاء را که یا صند با ششصد تومان زیاد بر مخارج ضروریشان تهیه کرده اند و میروند اتومبیل میخرند حذف می کنیم و آنها را ممنوع از مالیات می کنیم

لیکن آن فقیر بیچاره که سرشاری از او میگیرند او ممنوع نیست بنا بر این بنده پیشنهاد کردم باین عبارت که بارکشهای موتور دار مطلقاً تا پنجسال از حقوق ورودی گمرک معاف باشد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

نایب رئیس - چند فقره پیشنهاد رسیده است قرائت میشود (پیشنهاد آقای شیخ العرائین زاده شرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که مدت معافیت پنج سال باشد

مخبر - اجازه میفرمائید نایب رئیس بفرمائید

مخبر - بنده یک استعزاجی از آقایان اعضاء کمیسیون کردم و به بنده اجازه دادند که پنج سال را قبول کنم

نایب رئیس - خوب دیگر محتاج برای نیست

پیشنهاد آقای طهرانی (باین ترتیب قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که باین نحو اصلاح شود بارکشهای موتور دار مطلقاً تا پنج سال از حقوق ورودی گمرک معاف است

نایب رئیس - پیشنهاد ایشان در قسمت دیگری راجع به معافیت اتومبیل بارکش است برای مدت پنج سال که آقای مخبر قبول کردند

قسمت دیگر راجع به اتومبیل سواری است که خارج کرده اند

آقای طهرانی - توضیح بدهید

طهرانی - عرض بنده همان بود که عرض کردم

عمادالسلطنه - بنده با این پیشنهاد مخالفم

نایب رئیس - بفرمائید

عمادالسلطنه طباطبائی - راجع به موضوع پنجسال که عیال مذاکره نیست برای اینکه مخبر کمیسیون قبول کردند ولی راجع به اتومبیل سواری عقیده بنده بعکس عقیده آقای تهران است و عقیده بنده این است که اگر همان اتومبیلهائی را که تا هفتصد تومان قیمت دارد اشخاصی که اسم آنها را اشراف گذارده اند وارد کنند (و خواهش منم که بعد از این سکله اشراف را در این مورد استعمال نفرمائید چون اشراف سادات هستند و ما اشراف هستیم)

و همان اشرافی که ایشان فرمودند بنده موافقم که آنها یکی سی تا اتومبیل داشته باشند و اتومبیل در مملکت زیاد شود

باین جهت بنده با راپورت کمیسیون موافقم که اتومبیلهائی که تا هفتصد تومان قیمت دارد از حقوق گمرکی معاف باشد

نایب رئیس - آقای کلزرونی (اجازه)

کلزرونی - مسئله اقتصاد ورد زبان همه ماها شده است و در عین این که ما می خواهیم سعی کنیم که پول از مملکت کمتر خارج شود و وارداتمان کمتر باشد حالا می خواهیم یک قانونی وضع کنیم که واردات ما بیشتر شود و این جا از دو جهت و از دات ما بیشتر می شود یکی از نقطه نظر پول می دهند و اتومبیل سواری وارد می کنند و دیگری این که پول می دهیم و بزرگ مال بدیم آن پول را هم میفرستیم بخارج و بزرگ میخریم و این را هم لازم است به آقایان تذکر بدهم که امروزه در هادان قسمت بزرگ گرانتر از لندن است و هر وقت که مادر خراک خودمان دارای بزرگ شدیم و محتاج نبودیم که از خارج بزرگ وارد کنیم آن یک ترتیبی است ولی اگر بخواهیم از خارج بزرگ وارد کنیم و این جزئی رقمی هم که داریم درازاه قیمت بزرگ به خارج بفرستیم

بنده که خوب نمیدانم در هر صورت من موافقم فقط اتومبیل بارکش که معاف باشد نه هر اتومبیلی که ممکن بشود بار در آن گذاشت و علاوه آقایان می دانند که اتومبیل سواری در حقیقت اسباب تجمل و تزیین است و وجودش در مملکت ما لازم نیست

جز این که این جزئی رقمی هم که داریم از این میروند و بنده مخالفم که از تأدیبه حقوق گمرکی معاف باشد

در صورتی که از یک الاغ بارکش که یک نفر آدم فقیر آنرا وسیله معاش خود قرارداد مالیات می گیریم آیا رواست که یک اتومبیل اجابائی از تأدیبه حقوق گمرکی معاف باشد؟

نایب رئیس - آقای نقی زاده عضو

کمیسیون هستند؟

نقی زاده - غیره

نایب رئیس - آقای عراقی چطور؟

حاج آقا اسماعیل - بنده هم عضو کمیسیون نیستم

نایب رئیس - این نظر همان طور که عرض کردم در تجزیه تأمین خواهد شد پیشنهادی از طرف آقای رهشارسپه است قرائت میشود (باین طریق خوانده شد)

بنده پیش نهاد می کنم که راجع به اتومبیل های سواری بطور مطلق تا پنج سال از حقوق گمرکی معاف باشد

نایب رئیس - آقای وهنما (اجازه)

وهنما - اگر چه خلاف معمول است که کسی در این موضوع حرفی بزند برای این که می گویند طرفدار اشراف است ولی بنده گمان می کنم بالاخره باید با برهنه را از پا برهنگی نجات داد

من که طرفدار برهنه ها هستم باید سعی کنم که با برهنه ها هم کفش و کلاه و پالتو و بالاخره یک زندگی پیدا کنند و الا برای یک ملت این افتخار نیست که تا آخر عمرش با برهنه باشد در قسمت اتومبیلها آقایان یک نظری داشتند و آن این بود که مردم تشویق شوند و اتومبیل زیاد وارد کنند و اتومبیل زیاد وارد کنند و اتومبیل سواری در این مملکت زیاد شود و وقتی که زیاد شد بالطبع برای آنها کارخانه پیدا می شود و از برای کارگران یک کاری پیدا میشود

مثلاً اگر در تهران بجای سیصد اتومبیل ایجاد می شد برای این که نمی شد برای هر یک پنج اتومبیل بفرستند از خارج وارد کنند و وقتی که اتومبیل زیاد شود کارخانه ها و افزار کارگر زیاد می شود

مثلاً الان اگر احصائیه را نگاه کنند می بینند که سیصد چهار صد اتومبیل در تهران هست و در پنجسال قبل یک نفر کارگر اتومبیل در طهران نبود و یا اگر بود از گرسنگی می مرد

ولی حالا متجاوز از هزار نفر شوهر و مکانیک و چرخ ساز و لاس تیک درست کن هست و همه آنها هم از پا برهنه ها تشکیل شده است

حالا اگر از نقطه نظر تکثیر اتومبیل است فرق نمی کند باید بگذارند هر کس میتواند هر قسم اتومبیل می خواهد وارد کند

اگر پول دارند اتومبیل ریس وارد کنند پنج تا ده تا وارد کنند اگر یک ملت آنقدر سرمایه دارد که می تواند اتومبیل های اصلی وارد کند بکنند و الا این تخصیص فایده ندارد

رای آنکه همه مجبور می شوند

اتومبیل های فرد وارد کنند آنوقت اگر یک کیبائی اداره حمل و نقلی از اینجا بقره تو درست کنند

البته در این صورت فوراً کفایت نمی کند و مجبور است اتومبیل دج وارد کند که اطمینان آن برای مسافرت بیشتر است و بالاخره مسافر هم چهار زحمت نمی شود بنا بر این بنده پیشنهاد کردم که قیمت هفت تومان برداشته شود فقط اتومبیل سواری نوشته شود

در طهران هم گمانیکه متمول هستند اتومبیل برای سواری خودشان وارد نموده اند و شاید دو تا سه تای دیگر هم وارد کنند و این ترتیب و این تخصیص باعث این خواهد شد که کیبائی های حمل و نقل ماشین های خوب نیاروند و وقتی که ماشین های خوب وارد نکرده آنوقت اتومبیلی از فلان گرفته پرت می شود و مسافرین خود زاهم هلاک می کنند

بنا بر این بنده موافقم که کلیه اتومبیلها تا سه سال از حقوق گمرکی معاف باشند اگر دیدند زیاد شد که نم المطلب و اگر اتومبیل زیاد نشد دوباره مدت را زیاد می کنند تا این که بیشتر وارد شود

نجات پیش نهاد تجزیه رای بگیری بنده نایب رئیس - ولی باید باین پیشنهاد رای گرفته شود - عقیده آقای مخبر چیست؟

مخبر - بنده نمیتوانم قبول کنم بجهت این که در هر صورت اطراف مسئله را باید نگاه کرد و یک ترتیبی را هم باید قائل شد

آقایان در این جا مدتی وقت صرف کرده اند از برای تصویب لایحه السابق تیر بریبط نایبشکاهها بلکه عایداتی پیدا شود و حال آنکه قائل نبوده

حالا هم بنده از نقطه نظر مخبری کمیسیون آن اندازه که توانستم عرض کنم عرض کردم و بالاخره اکثریت کمیسیون این قسمت را قبول کرد و دلایلی که بنظر کمیسیون رسید بنده عرض کردم و بیش از این هم لازم نیست تکرار شود و صلاح هم کمیسیون نهاد تجزیه شده است هر قسمتی نمی خواهد رای ندهد

نایب رئیس - رای می گیریم به پیشنهاد آقای وهنما آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمائید (همه قیام نمودند)

نایب رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای نقی زاده (اینطور خوانده شد)

اینجا بنده پیشنهاد می کنم که اتومبیل ها تا سه سال از گمرک معاف باشد

نایب رئیس - آقای نقی زاده (اجازه)

نقی زاده - اینکه بعضی از آقایان نمی خواهند اتومبیل های شخصی از مالیات معاف باشد شاید دو ملاحظه داشته باشند یکی نکت عایدات مملکت است و دیگر این که اشخاص متمول از مالیات معاف نباشند

این دو دلیل در اینجا گفته شده است و برای جواب بدو دلیل کافی است که این مطلب در نظر گرفته شود که گمرک بالذات یک مالیاتی نیست که دولت بخواهد از مردم مثل سایر مالیاتها بگیرد بلکه بیشتر حرکت گمرک حمایت و تشویق صنایع مفیده داخلی است و یک آلتی است در دست دولت برای تربید و سنگین کردن بار مالیات آن چیزی که نمی خواهد در مملکت وارد شود

مثلاً اگر تریاک از خارج وارد این مملکت بشود ماحق داریم که از هر مقال آن یک تومان تاده تومان گمرک بگیریم برای آنکه داخل نشود و در مواقع دیگر چیزهایی که آن آلت را استعمال نمی کنیم - حالا آن چیزیکه آقای کلزرونی فرمودند که عوض بزرگ خوب است گاه و وجو استعمال شود

بنده بایشان عرض می کنم ممکن است بزرگترین از خارج وارد کرد و آنوقت بجای گاه و وجوبه کاشت و بینه را بخارج فروخت هر چیزیکه از خارج می آید نباید منظور باشد

هر من بزرگ که از خارج باین مملکت می آید ممکن است صدمه بار این مملکت را بخارج ببرد وقتی که این مسئله معلوم شد میرویم سر مسئله دوم که راجع به متولین چون در این مملکت مالیات مستقیم خصوصاً از بزرگان گرفتن یک قدری مشکل بنظر می آید این ست کمی گویند در سرحد از آنها مالیات غیر مستقیم گرفته شود

بلی اشخاصی که اتومبیل های عالی دارند آن قدر که برای گمرکش میدهند باید سه مقابل برای این که یارک دارند و تجمل دارند باین مملکت کمک کنند

اما برای اتومبیل وقتی که شما گمرک وضع می کنید او هم از آن ترتیب متأثر می شود و آنوقت اتومبیل سواری و باری کمتر وارد می شود

این ترتیب مثل این است که بخواهند برای کلرات دو بیطاس مالیات سنگین وضع کنند برای اینکه برای آتش بازی استعمال می کنند

ولی در عوضش برای دوا هم استعمال می کنند آیا ممکن است حالا در سرحد از آن قسمتی که برای دوا استعمال میشود مالیات نگیرند و از قسمتی که برای آتش بازی استعمال میشود بگیرند؟ اینکه

نیشود باید از آن قسمتش که صرف آتش بازی میشود بطریق دیگری مالیات گرفت

در اینجا بعضی از آقایان مدت پنج سال را کم و بعضی کافی میدانند و بنده معتقدم که همان ده سال هم کم است و آنهائی که میگویند در این مدت قلیل در این مملکت کارخانه اتومبیل پیدا میشود خیلی خوشبین هستند

بنده بطور یقین عرض می کنم که تا پنجاه سال دیگر هم ما نمیتوانیم کارخانه اتومبیل سازی داشته باشیم برای این که کارخانه های دیگری هست که مایشتر به آنها احتیاج داریم و در دنیا خیلی مالک هستند که تمام کارخانه های عالی را ندارند

مثلاً مملکت بلغارستان کارخانه اتومبیل سازی ندارد و ما نباید امیدوار باشیم که در سال ششم کارخانه اتومبیل سازی داشته باشیم

مطلب دیگر این است که باید در نظر گرفته شود اگر اتومبیل قیر بارکش و کامیون استثناء شد باز خیلی از اتومبیل ها که بار و مسافر می برد زمین میبندد و کامیون مخصوصاً آن اتومبیل های خیلی بزرگ است و هزار طور به مملکت خدمت میکند و طولی نمیکشد که در این مملکت اتومبیل های شخصی خیلی کم می شود و روز بروز اتومبیل های مسافری زیاد میشود و بهانه خدمت میکند

اگر در این باب گفته شود که برای اتومبیل های متولین مالیات برقرار نشده است و معاف می ماند این هیچ عیبی ندارد و ممکن است در آتی درباره آنها هم مالیات وضع کنیم

آقای سید یعقوب - اختصار نظامنامه دارم

بعضی از نمایندگان - آقا بگذارید حرفشانرا بزنند

نقی زاده - و بلاوه چنانچه یکی از آقایان گفتند اگر در ضمن صداهوارها اتومبیل پنج تا هم مالیات ندهد اهمیت ندارد

مالکی هست که هر پنج نفر نقوش یک اتومبیل دارند و کلش هم مرتب و منظم است

آقای سید یعقوب - اختصار نظامنامه دارم اجازه میفرمائید عرض کنم

نایب رئیس - بفرمائید

آقای سید یعقوب - بنده در همین مجلس با آقای مدرس حمله کردم که قانون و نظامنامه نسبت به همه علی السویه است

ماده شصت و سه نظامنامه داخلی اجاره نمیده که یک ناطق در یک پیشنهادی یک ساعت وقت مجلس را صرف کند و حرف بزند این است که بنده اختصار نظامنامه کردم

(همه بین نمایندگان)
نایب رئیس - خیر از حدود نظام نامه خارج نشوند و بنده پیشا اختصار می کنم
آقای تهرانی عضو کمیسیون هستی
طهرانی - شکر
نایب رئیس - پس نمیتوانید صحبت کنید؟
مخیر - بنده عرض میکنم که تمام دلائل طرفین گفته شده است و بهتر این است که مسئله به رای مجلس واگذار شود.
نایب رئیس - رای میگیریم به پیش نهاد آقای تقی زاده
یکتگر از نمایندگان - قرائت شود.
 (مجدداً بشرح فوق خوانده شد)
نایب رئیس - رای میگیریم بقبل توجه بودن پیشنهاد آقای تقی زاده آقایان موافقین قیام فرمایند.
 (اکثر قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه شد.
 یک پیشنهادی هم از طرف آقای قائم مقام رسیده است قرائت میشود.
 (بشرح ذیل قرائت شد)
 پیشنهاد میکنم - اولاً گمرک انومیل های باری و غیره صدی پنج تنزل داده شود.
 ثانیاً انومیل های که مخصوص مسافرین و اتوبوس نامیده میشود - بدون تعیین قیمت شامل این مافقت باشد.
نایب رئیس - آقای قائم مقام (اجازه)
قائم مقام - اولاً بنده آرزو هم عرض کردم که بنده با حذف تمام مالیات مخالفم و مقصود از این معافیت این است که انومیل زیاد شد و مثلاً از انومیل صدیان در مالیات بگیرند و اگر که ثلث تنزل بدهند و صد پنج بگیرند آنوقت بالطبع هم انومیل زیاد وارد میشود و هم به دولت ضرر نمی خورد
 و اما راجع باتومیل اینکه تعیین داده میشود باتومیل های سواری که قیمت آنها هفتصد تومان است
 انومیل های که هفتصد تومان یا هزار تومان قیمت دارند اغلب مال کارخانه فرد است و این ترتیب مثل اینست که در زیر برده بیک کیانی انحصار داده شود و حال آنکه کارخانه های دیگری هستند که انومیل های خوب میسازند و قوه شان هم زیاد است و مخصوصاً برای ایران که کوهستان است بیشتر ببرد میخورد و هر کس مسافرت کرده باشد میدانند که انومیل فرد دو کوهستان ببرد نمیخورد
 ولی یک انومیل های سواری دیگری هست که ده بیست نفر مسافر می برد و در مسافرت مسافت بیست و دو مایل بالا میرود ولی انومیل های فرد این قوه را ندارند

نایب رئیس - آقای مشاور اعظم (اجازه)
مشاور اعظم - آقای قائم مقام در شور اول هم این پیشنهاد را کردند و تا یک درجه هم صحیح است اما با وجود رای گمان میکنم این پیشنهاد دیگر موردی نداشته باشد و آن پیشنهاد آقای تقی زاده جزء ساده شده است
شیروانی - جزء ماده نشده است قابل توجه شده است
مشاور اعظم - چون شور دوم است گمان میکنم جزء ما. شده باشد
نایب رئیس - جزء ماده نیست فقط قابل توجه شده است
 آقای تدین اظهار داشتند؟
تدین - بلی
نایب رئیس - بفرمائید
تدین - در ضمن شور اول پیشنهادی شده بود و بکمیسیون هم ارجاع شد و در راپورت کمیسیون که در تانی داد اینجانب یک مذاکرات شد و بالاخره دو پیشنهاد قابل توجه شد و الان شور دوم است و بنده تصور می کنم این رای که داده شد قطعی است.
شیروانی - اینطور نیست
تدین - در نظام نامه که اینطور نیست.
شیروانی - ماده نظام نامه را نشان بدهید.
 تدین - پیشنهادی که از طرف مجلس قابل توجه شد و بکمیسیون ارجاع شده بود پیشنهاد آقای افشاری در آن پیشنهاد انومیل های سواری را از این مافقت خارج کرده بودند و من بعد در آن قرارداد بود و آن پیشنهاد بکمیسیون ارجاع شده.
 کمیسیون پس از مطالعه این راپورت تانی داد و اگر راپورت ثانوی کمیسیون رد شود باید پیشنهاد آقای افشاری گرفته شود و قطعی شود
 ولی این پیشنهاد چون پیشنهاد جدیدی است گمان میکنم که قابل توجه شده است و باید بکمیسیون ارجاع شود
مخیر - تاریخچه پیشنهاد همان بود که آقای تدین فرمودند و موافق ماده شصت و سه نظام نامه داخلی
 گمان میکنم این پیشنهاد قابل توجه شده باشد برای آنکه در ماده شصت و سه می نویسد -
 اصلاحاتی که در ضمن شور ثانوی پیشنهادی شود در صورتیکه از طرف کمیسیون ارجاع آن خواسته نشود
 صاحب اصلاح بطور اختصار آنرا توضیح و استدلال می کند و فقط اعضای کمیسیون حق جواب دارند -

پس از آن مجلس در باب قبول توجه یا عدم قبول توجه رای میدهم
 در صورت قبول توجه آن اصلاح به کمیسیون فرستاد میشود -
 در باره این قبول اصلاحات نمیتوان همان روزی که پیشنهاد شده است رای داد
نایب رئیس - رای میگیریم بقبایل توجه بودن پیشنهاد آقای قائم مقام آقایان موافقت قیام نمایند.
 (عده قیام نمودند)
نایب رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای طهرانی
 (باین ترتیب قرائت شد)
 بنده پیشنهاد میکنم - انومیل های که تا دوهزار تومان قیمت داشته باشند از گمرک معاف باشند
نایب رئیس - چون پیشنهاد آقای تقی زاده قابل توجه شد گمان می کنم این پیشنهاد دیگر موردی نداشته باشد
طهرانی - اجازه بفرمائید
نایب رئیس - بفرمائید
طهرانی - صلا در همین مجلس مجلس مشاهده شد که آقای رهنا تلفتصند تومان را پیشنهاد فرمودند و در شد - بعد یک پیشنهاد دیگر تا هزار تومان شد و قبول شد
 بنا بر این بنده دوهزار تومان را پیشنهاد کردم و همان ادله که برای هزار تومان گفته شد برای دوهزار تومان هم هست و هیچ فرق نمی کند که انومیل هزار تومان یا دوهزار تومان قیمت داشته باشد و اصولاً آن بیان منتج این نتیجه است که کلیه انومیل هاییکه وارد این مملکت می شود هم از این که لو کس یا غیر لو کس و دو هزار تومان یا ده هزار تومان قیمت داشته باشد.
 باید وارد شود برای آنکه فلسفه گمرک را یک طوری بیان کردند و وقتی فلسفه گمرک اینطور شد باید باین ترتیب عمل شود -
 حالا یک گمرکی را ملاحظه می کنیم می بینیم در مملکت اگر گمرک نفع که کارگران بچاره می بایستی لباس درست کنند دو مقابل می شود
 اما جنس وقتی که از خارجه وارد می شود گمرک کش صدی یک است ولی نفع صدی ده یا بیشتر است که فوق العاده بشرح مملکت است و این ملاحظاتی شده است گمرک آن شکلی که وضع شده این فلسفه ها و مذاکرات درش نبوده است
 یک گمرکهای وضع شده مثل مسئله نفع بالخصوص یا چیزهای دیگر که ما بآنها می توانیم کار کنیم
 آمده اند و مثلاً نفع را صدی پنجاه گمرک بسته اند برای این که جنسی که در اینجا درست می کنند گرانتر تمام شود از

جنسی که از خارجه می آید چرا؟
 برای اینکه آن جنسی که از خارجه می آید و در صدی دو گمرک بسته اند که ارزانتر شود.
 پس این فلسفه ها در این مملکت منظور نشده است حالا که این است معنی فلسفه شما در دوهزار تومان هم همان رای را بدهید بجهت اینکه همان فلسفه که در آنجا بود در اینجا موجود است
نایب رئیس - رای گرفته می شود به پیشنهاد آقای طهرانی
طهرانی - بنده استرداد می کنم مقصود این بود این حرفها را بزنم
نایب رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی (بشرح ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد میکنم - انومیل هاییکه تا ده هزار تومان قیمت داشته باشد از تاذیه حقوق گمرک معاف باشد.
نایب رئیس - چون پیشنهاد آقای تقی زاده قابل توجه شد گمان می کنم این پیشنهاد دیگر موردی نداشته باشد
طهرانی - اجازه بفرمائید
نایب رئیس - بفرمائید
طهرانی - صلا در همین مجلس مجلس مشاهده شد که آقای رهنا تلفتصند تومان را پیشنهاد فرمودند و در شد - بعد یک پیشنهاد دیگر تا هزار تومان شد و قبول شد
 بنا بر این بنده دوهزار تومان را پیشنهاد کردم و همان ادله که برای هزار تومان گفته شد برای دوهزار تومان هم هست و هیچ فرق نمی کند که انومیل هزار تومان یا دوهزار تومان قیمت داشته باشد و اصولاً آن بیان منتج این نتیجه است که کلیه انومیل هاییکه وارد این مملکت می شود هم از این که لو کس یا غیر لو کس و دو هزار تومان یا ده هزار تومان قیمت داشته باشد.
 باید وارد شود برای آنکه فلسفه گمرک را یک طوری بیان کردند و وقتی فلسفه گمرک اینطور شد باید باین ترتیب عمل شود -
 حالا یک گمرکی را ملاحظه می کنیم می بینیم در مملکت اگر گمرک نفع که کارگران بچاره می بایستی لباس درست کنند دو مقابل می شود
 اما جنس وقتی که از خارجه وارد می شود گمرک کش صدی یک است ولی نفع صدی ده یا بیشتر است که فوق العاده بشرح مملکت است و این ملاحظاتی شده است گمرک آن شکلی که وضع شده این فلسفه ها و مذاکرات درش نبوده است
 یک گمرکهای وضع شده مثل مسئله نفع بالخصوص یا چیزهای دیگر که ما بآنها می توانیم کار کنیم
 آمده اند و مثلاً نفع را صدی پنجاه گمرک بسته اند برای این که جنسی که در اینجا درست می کنند گرانتر تمام شود از

یک پیشنهادی شده بود و از طرف یکمده از آقایان امضا شده بود
 دایر بر اینکه کمیسیون قوانین مالیه در ظرف دوهزار و پورته لایحه قانون مالیات تصاعدی را بمجلس تقدیم کنند گویا تقدیم شده است.
 بنده با ختم جلسه مخالف نیستم ولی چون آنهم اشکال ندارد بنده پیشنهاد میکنم تکلیف آن پیشنهاد هم معلوم شود
بعضی از نمایندگان - صحیح است.
نایب رئیس - گمان میکنم این پیشنهاد سابقه نداشته باشد
 (شرح ذیل قرائت شد)
 امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد میکنم که لایحه قانون مالیات تصاعدی که بکمیسیون ارجاع شد کمیسیون قوانین مالیه پس از ده روز از تاریخ تصویب این پیشنهاد لایحه را مجدداً بمجلس برای شور تقدیم نماید
نایب رئیس - آقای عراقی (اجازه)
حاج آقا اسمعیل عراقی - بنده مرضی ندارم
نایب رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)
وکیل الملک - بنده هم در دستور عرض داشتم
نایب رئیس - آقای تقی زاده (اجازه)
تقی زاده - بنده هم در دستور عرض داشتم
نایب رئیس - آقای مدیر الملک (اجازه)
مدیر الملک - با آقای تدین موافقت میکنم که قبل از اینکه جلسه ختم شود تکلیف این پیشنهاد معلوم شود
نایب رئیس - این مسئله که مطرح است آقای شیخ الرئیس (اجازه)
محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس
 بنده نمیدانم این پیشنهاد علاوه بر اینکه سابقه ندارد معنی چیست؟
 بجهت اینکه الزام نمودن یک کمیسویی را باینکه تا ده روز دیگر در موضوع یک لایحه راپورت بدهد معنی ندارد.
 ما چه طور می توانیم رای بدهیم؟
 حالا اگر کمیسیون در ظرف دهر روز راپورت بمجلس تقدیم نکرد بدون نظریه کمیسیون مجدداً لایحه مطرح می شود؟
یکتگر از نمایندگان - بلی
شیخ الرئیس - با اینکه ما آن کمیسیون را منصف می نژیم پس بنظر بنده این یک الزامی است که هیچ موضوع ندارد و سابقه هم نداشته
 زیرا اگر ما متقدم شدیم که کمیسیون یک نظریاتی بکند دیگر بسته با اختیار خودش است.

ممکن است محتاج بنظریات وزارت مالیه بشوند و وزارت مالیه هم شاید محتاج بتحقیقاتی باشد و بیش از دهر روز معطل کند.
 آنوقت چه خواهد شد؟
 اگرچه بنده متقدم که بایستی زودتر تکلیفش معین شود زیرا اگر قبول میشود قبول شود یا اگر اصلاح می شود اصلاح شود و اگر هم رد می شود درود که تکلیف معین باشد ولی اینکه می گویند تا دهر روز دیگر کمیسیون راپورت بدهد این یک الزامی است و بنده مخالف هستم
نایب رئیس - آقای سر کشیک زاده (اجازه)
سر کشیک زاده - مسئله مربوط به دستور امروز قانون مالیات تصاعدی بود که بر حسب پیشنهادی از دستور خارج گردید و بکمیسیون ارجاع شد حالا اشخاصی که این پیشنهاد را کرده اند تقاضا دارند که بعد از دهر روز معین این لایحه جزو دستور باشد.
 گمان نمی کنم که در نظام نامه یک ماده باشد که این مسئله را منع کند
نایب رئیس - اظهاری را که آقای سر کشیک زاده فرمودند با آن پیشنهاد یک اندازه تفاوت دارد بجهت اینکه در این پیشنهاد کمیسیون را مجبور می کنند که پس از دهر روز راپورت بدهد ولی اظهاری را که سر کار فرمودید این است که اگر کمیسیون تا دهر روز دیگر راپورت نداد من همین راپورت مطرح شود
 آقای داور (اجازه)
زعیم - بنده اظهار نظام نامه دارم
نایب رئیس - بفرمائید
زعیم - بوجوب نظام نامه پیشنهاد ختم جلسه مقدم است بر سایر پیشنهادها
نایب رئیس - چون ایشان هم پیشنهاد کرده اند که این مسئله مطرح شود مخالفتی هم نشد بنا بر این این مسئله مطرح شد -
 آقای داور (اجازه)
داور - بنده از صیغ تا بهال چندین رنگ و صورت راجع بلایحه مالیات تصاعدی دیدم.
 اول که بنده تقاضا کردم و دلائلی عرض کردم مخالفتی نشد چند دقیقه بعد یک مخالفت مائی شد بعد یک مرتبه یکمده چهل نفری یک پیشنهادی می کنند و یک امری میفرمایند یک کمیسویی که شما باید تا دهر روز دیگر راپورت را تهیه نموده و بمجلس تقدیم کنید.
 بنده عرض می کنم اینکه کمیسیون تقاضا کرده که این لایحه بر گردد بکمیسیون برای این بود که بتواند از طرفی بنا بر یک مذاکراتی که شده است نظر دولت و از

طرفی نظر یک افرادی از خود آقایان نمایندگان را که خارج از کمیسیون هستند با نظر کمیسیون راپورت سابق رازری هم بریزد و بالاخره یک راپورت جامعی که از نقطه نظر مالیاتی هایدانش بهتر از این باشد و از نقطه نظر اصول هم بهتر باشد یک همچو چیزی تهیه کنند و بیاورند بمجلس که از نقطه نظر تقشیش و سایر عملیاتی که راجع باجرام است اسباب زحمت مردم نشود.
 مقصود این بود حالا آقایان میفرمایند تا ده روز دیگر
 مثل این است که کمیسیون فوراً می تواند این کار را بکند یا اینکه در مدت یک جلسه این کار زود تمام می شود که می فرمایند در ظرف ده روز در صورتی که در ده روز اول سه جلسه ما بیشتر نداریم جلسه بعد را هم برای لایحه میزنی مشغول هستیم که آخرین جلسه است و انشاء الله با آن هلاک مخصصی که آقایان بقانون میزنی دارند تمام خواهد شد
 پس می ماند دو جلسه و در مدت دو جلسه آیا ممکن است تمام این نظریاتی که گفته شد حاضر و مطالعه شود و بمجلس بیاید اگر مقصود این است که این لایحه همین ترتیب همانطور که آقای سر کشیک زاده فرمودند بمجلس بیاید
 ممکن است ولی بنده تنها میکنم که آقایان یک همچو امری را بکمیسیون فرمایند
 برای این که عملی نیست و ما هم نمی توانیم بدهد بگیری که در ظرف ده روز راپورت جامعی تهیه نموده و تقدیم کنیم
بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافیست رای بگیرد
نایب رئیس - بنده گمان می کنم که باین پیشنهاد نمی شود رای گرفت بجهت اینکه الزام میکند کمیسیون را و این تا تا بحال سابقه نداشته - آقای طهرانی (اجازه)
آفایش محمد علی طهرانی
 بنده نظرم می آید که نظر آقایان این بود که تسریع کنند که آن لایحه باز بمجلس بیاید و مثل سایر لوایحی که مقید بحال مملکت است و در کمیسیونها مانده و بیرون نیامده آن شکل نباشد
نایب رئیس - آقای رهنا موافقت یا خیر؟
رهنا - صاحبان امضا اجازه ندادند حرف بزنند
نایب رئیس - اشخاصی که اجازه خواسته اند یک عده زیادی بوده اند و هر کدام اجازه خواسته اند - اجازه داده شده بیانی هم فرموده اند
رهنا - عرض میکنم اصلاً مسئله موقتی که از دستور خارج شد چنانچه استدلال

آن خیلی ضعیف بوده زیرا دولت پیشنهاد خودش داده است و وزارت مالیه هم در اصل قضیه که هزار تومان بیلاچقدر وازدو هزار تومان بیلا چقدر این اصل را قبول کرده است
 کمیسیون اول هم تصویب کرده کمیسیون ثانی هم این اصل را تصویب کرده است.
 برای اینکه اگر تصویب نمی کرد راپورت اولی مطرح نمیشد این را شاید آقایان نمایندگان مسبق نیستند
 در موضوع هر لایحه وقتی کمیسیون تجدید شود مگر آن کمیسیون مجبور است آن لایحه را بکمیسیون ببرد و مطرح نماید و پس از آنکه در آن کمیسیون هم تصویب شد بقام ریاست اطلاع میدهد که راپورت سابق در کمیسیون جدید هم تصویب شد
 بنا بر این این راپورت در کمیسیون جدید هم تصویب شده
 اینجا اظهار شد که ما میخواستیم نظریات آقایان را بگیریم و حالا نظریه آقایان را گرفتیم
 این طرز استدلال بود - بعضی از وکلا میگفتند که خیر ما یک نظریات داریم که باید شامل مطلع شویم و برای شور ثانوی راپورت جدید را تهیه کنند و بدهید معذک مورد توجه نشود رای دادند -
 الان کمیسیون چه میکند؟
 دولت که راپورت جدیدی نمیدهد!
 هنوز که دولت پیشنهاد خودش را پس نکرده است همان پیشنهاد کمیسیون اول است که تصویب کرده است و کمیسیون ثانی تصویب کرده و راپورت داده است سه جلسه در مجلس مذاکره شده است آنوقت یک مرتبه از مجلسی مجرد بیرون
 این ترتیب خوب نیست اگر چنانچه آقایان مطالبی دارند خوبست در شور اول بفرمایند.
 پیشنهاد کنند - اینکه کاری ندارد و مجدداً برای شور ثانی اصلاحات لازم بعمل بیاید ولی بعد از آنکه همین کمیسیون باین موضوع رای داده است
 کمیسیون سابق هم آنرا تصویب کرده و راپورت داده است علت ندارد که اینقدر تأخیر بیفتد حالا هم عده از آقایان نمایندگان که این پیشنهاد امضا کرده اند میگویند در عرض این دهر روز ممکن است پنج جلسه تشکیل بدهند و بالاخره مثبت یا منفی یک راپورتی بدهند که در مجلس شور اولش بشود و نمایندگان نظریات خودشان را میگویند باز برای شور ثانی میروند بکمیسیون پس بنا بر این نمایندگان حق دارند که بیاورند در ظرف دهر روز این راپورت را بیاورند در مجلس زیرا تحقیقات محلی نمیخواهد که بگویند دهر روز کافی نیست -

نایب رئیس - آقای زعیم مخالفین با این پیشنهاد؟
زعیم - بنده عرضی ندارم.
بعضی از نمایندگان - خدا کرات کافیست.
رای بگیریم؟

مدرس - این مسئله سابقه ندارد. ولی البته باید سعی کرد که زودتر این رایورت داده شود.
رای لازم ندارد.

نایب رئیس - آقای مشار اعظم (اجازه)

مشار اعظم - بنده گمان میکنم که آقایان يك اشتباهی کرده باشند و آن این است که بنده نیتانم بطور مشهود يك کمیسیون را الزام کرد که در ظرف دهر روز این کار بکنند بنده که عضو این کمیسیون هستم نیتانم این چه الزامی است که باید الی دهر روز این رایورت داده شود فرضاً اگر من در ظرف دهر روز موفق بتقدیم رایورت نشدم چه باید بکنم؟

باید عین همین رایورت داده شود بعلاوه این پیشنهادی که شد پیشنهاد خروج از دستور بود و این حق همه نمایندگان است و هر نماینده میتواند این پیشنهاد را بکند که يك لایحه از دستور خارج بشود منتهی يك نظریاتی یعنی بیرون و در کمیسیون مالبه بنشینند صحبت کنند و مطالعه کنند بعد رایورت بدهند حالا الزام کردن يك کمیسویی که جمعاً ظرف دهر روز رایورت بدهند بنده این را نمی فهمم!

مگر اینکه بفرماید ایداً لازم نیست که این لایحه بکمیسیون قوانین مالبه برود و باید در خود مجلس در آن مذاکره کنند والا تکلیف شاق از طرف نماینده بنمایند دیگر هیچ معنی ندارد

نایب رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده خیلی متأسف هستم از اینکه بعضی از آقایان عوض این که اهمیت بانظماات داخلی مجلس بدهند مخصوصاً بیرون بیرون

برای این که مجلس را از اکثریت بیندازند و فعلت دارند از این که این عمل متقابل ممکن است فردا نسبت به خودشان بشود.

دیگر این که با بد از مذاکرات طولانی امروز هم نسبت به تعیین دستور جلسه ما متنبه شده باشیم و معتقد باشیم باین که دستور جلسه آتی را در همین جلسه معین کنیم بعد مجلس را از اکثریت بیندازند والا جلسه آتی در فردا است دو ساعت باید حرف بزنیم که چه چیز جزو دستور بشود حالا بنده کار ندارم شاید کرسنکی باعث شده است که بیرون بروند.

آقایان میفرمایند سابقه ندارد. بنده عرض میکنم خیلی چیز هادر دنیا

هست که سابقه ندارد و اگر بنا باشد بدم سابقه مستمسک شوند بنده هزارویک مورد از مسائل دینی و عرفی و سیاسی برای شما مثال بزنم که هیچ سابقه نداشته بنده عرض میکنم منعی که چیز است نظام نامه در کجا منع کرده؟

يك و کيلی هم اجبار نمیکند بکنند راه پیشنهادی متجاوز از ۳ نفر از آقایان امضاء کرده اند و بالاخره اکثریت مجلس حاکم است.

نایب رئیس - چون عده برای رای کافی نیست جلسه را ختم میکنم جلسه را آتی روز ۳ شنبه ۳ نفل از ظهر.

بعضی از نمایندگان - دستور معیوشه.

نایب رئیس - چون عده کافی نیست نشود دستور جلسه بعد را معین کنیم. (مجلس ۳ ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - سهام السلطان بیات منشی علی اقبال المملکت معظم السلطان.

جلسه ۱۳۳

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه بیست و هشتم جنی هزار و سیصد و سه مطابق بیست و دوم شهر جمادی الثانیه هزار و سیصد و چهل و سه

مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای سهام السلطان نایب رئیس تشکیل گردید.

(صورت مجلس یوم شنبه بیست و هفتم جنی را آقای میرزا جواد خان قرائت نمودند)

نایب رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء - از دستور عرض دارم.

نایب رئیس - آقای رئیس التجار (اجازه)

رئیس التجار - بنده هم قبل از دستور عرض دارم.

نایب رئیس - آقای دولت آبادی (اجازه)

دولت آبادی - بعد از تصویب صورت جلسه عرض دارم.

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - نفل از دستور عرض دارم.

نایب رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی - بنده قبل از دستور سؤالاتی از آقای وزیر رفوآشده دارم.

مالیه بود وقتی که این پیشنهاد تصویب شد نظامنامه راهی را با نشان نماده است که بیسی از یکماه ما بخواهیم تقاضا کنیم که برگردد رایورت بدهند.

این است که این پیشنهاد کردیم که بیسی از دهر روز رایورت بدهند اگر دادند چه بهتر و اگر ندادند چه بجا ایشان این است که در خود مجلس همان لایحه مطرح شود کسی را هم به خوب نخواهند بست.

نایب رئیس - چون عده برای رای کافی نیست جلسه را ختم میکنم جلسه را آتی روز ۳ شنبه ۳ نفل از ظهر.

بعضی از نمایندگان - دستور معیوشه.

نایب رئیس - چون عده کافی نیست نشود دستور جلسه بعد را معین کنیم. (مجلس ۳ ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - سهام السلطان بیات منشی علی اقبال المملکت معظم السلطان.

جلسه ۱۳۳

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه بیست و هشتم جنی هزار و سیصد و سه مطابق بیست و دوم شهر جمادی الثانیه هزار و سیصد و چهل و سه

مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای سهام السلطان نایب رئیس تشکیل گردید.

(صورت مجلس یوم شنبه بیست و هفتم جنی را آقای میرزا جواد خان قرائت نمودند)

نایب رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء - از دستور عرض دارم.

نایب رئیس - آقای رئیس التجار (اجازه)

رئیس التجار - بنده هم قبل از دستور عرض دارم.

نایب رئیس - آقای دولت آبادی (اجازه)

دولت آبادی - بعد از تصویب صورت جلسه عرض دارم.

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - نفل از دستور عرض دارم.

نایب رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی - بنده قبل از دستور سؤالاتی از آقای وزیر رفوآشده دارم.

است راجع باسخدام دفتر مهندس یکی مهندس متخصص برای جنگلها یکی مهندس متخصص معادن که از آلمان باید استخدام شوند اشخاص هم تعیین شده تقدیم مجلس شورای ملی میشود و متناذراً زودتر اقدام در تصویب آن بفرمایند که موقع آن نکند.

یکی دیگر سؤالی آقای طهرانی از دولت کرده بودند و مخصوصاً تا کیدهم شده بود که برای جواب ایشان حضور پیدا کنیم ممکن است سؤالات را بفرمایند تا جواب داده شود.

نایب رئیس - لوابیح بکمیسیونهای مربوطه ارسال شود. آقای طهرانی (اجازه)

آقای شیخ محمدعلی طهرانی - البته آقایان مخصوصاً آقای وزیر تجارت و فوائد عامه خوب میدانند تجارتی که مملکت ما با خارجه دارد در مرحله اولی اتفاق افتاده است و اول صادره مملکت مالت قالی است.

هیچ چیز از مملکت ما بفرقی خارج نمیشود و عده یولی که از خارج وارد مملکت میشود یولی است که در ازاه خالی داده میشود و در موضوع قالی قانون آنطوری که باید و شاید بواسطه این که وزارت تجارت و فوائد عامه توصیه

که باید داشته باشند ندارد گمان می کنم مأمورین خارجه کامیابی رایورت تجارت قالی را عدا از آمریکا و اروپا ننداده باشند.

کلمکلی در روزنامه هایک اشاراتی می شود -

مخصوصاً در روزنامه ایران در شماره هزار و هفتصد و شش به امضای میرزا علی خان و کیلی تبریزی که یکی از تجار معتبر و از علماء تجار امروزه است شرح مبسوطی می نویسد که بنده خلاصه آن را نوشتام و عرض می کنم و بعد سؤالی که متوجه بپا است عرض خواهم کرد. حاصل

مضوونی که ایشان می نویسند این است که از شصت سال قبل صنعت قالی باقی از ایران به تبت و از آنجا به چین رفته و در بیست و يك سال قبل قالی چین در شهر سنت لویی به نایشگاه برده و از آن روز بر مشتری های قالی چین افزوده شده تا در اواسط جنگ بین المللی که هوانی از برای تجارت ایران بود برای چین موقی بدست آمده و در بازار های خارجه خاصه آمریکا بفروش رساندند و سابق بر این تجارت قالی منحصر بایران بود و از تجارت های خاصه ایران و امروز در شهر یکن یکن تخت چین زیاد از چهارصد کارخانه موجود است و از روی اطلاعات واصله کارخانجات چین شکل منظمی بهود داده و فرشی که در ایران بدست می آید در عرض ماه بواسطه

بمداز جنگ غالب دول مزبور ترفه گمرکی خود را تغییر داده و نسبت بعضی از صادرات ایران مانند قالی ترفه گزافی نموده اند و بجای اینکه مأمورین ایران مقیم خارجه ملققت نکند شده و بدولت خود رایورت دهند دولت در این گونه موارد معامله بالمقابل نماید صادرات آنها آزادانه کافی السابق وارد ایران می شود و نتیجه اش این شده است که مال التجاره قالی در ممالک فرانسه - آلمان - ایتالی -

کثرت کارخانجات و کارگر در چهل روز در چین بدست می آید.

شش ماه زحمت کارگران ایران و قالی باف های ایران معادل چهل روز چین است و وسایل تجارت از حیث حمل و نقل آسان تر و باین جهت اغلب کپاتی های آمریکا تجارت خود را در چین هرگز برت می دهند و هنوز در ایران در تحت اصول اداری يك کارخانه مهم منظم که بتواند سفارشات خارجه را تصویل کند نیست و بموجب احصائیه گمرکی از ۹۲۸۶۰۰۰ فرش صادره ایران پنج میلیون آن در آمریکا مصرف شده و تجارت قالی پس از نفت یعنی از صادرات ایران (که نفت هم مال ما نیست و مال کپاتی انگلیس است) بعد از نفت اولین تجارت ایران است بنده از آنکه این خلاصه را عرض کردم خواستم متوجه گنم وزارت معترم تجارت را مانسکه آیا وزارت تجارت فکر عاجلی برای تکثیر تجارت قالی فرموده اند؟ و آیا اقدامی شده است که ما در آتی بتوانیم در مقابل چینی ها که شروع به ترویج این تجارت کردند مقاومت کنیم که باعث نکت این تجارت در آمریکا نشود؟ و آیا ما می توانیم در این تجارت مثل چینی ها آمریکا کپاتی ها را بغودمان جلب کنیم یا خیر این يك سؤال

سؤال دیگر ما راجع بهمین قالی است و علت سؤال من يك مقاله است که در روزنامه شفق سرخ در نمره دوست و هشتاد و يك از بعضی از تجار ایرانی که در اروپا زندگی میکنند و يك علاقه مندی بتجارت ایران دارند.

يك مقاله نوشته اند که خلاصه آن مقاله را بنده میخوانم و سؤالم را تکمیل می کنم آن قسمتی که از روزنامه مربوط به سؤال بنده است این است و مخصوصاً موضوع تجارت قالی را مورد ملاحظه قرار داده است که غالب دول اروپائی ورود آن را یا قلعغن سوده و یا گمرک آن را بخرجه زیاد کرده اند که قابل تحمل نیست و مأمورین دولت ایران ابدأ در صدد جبران آن بر نیامده اند. برای اینکه غالب دول مزبور با ایران تجارت دارند و مال التجاره آنها بایران وارد میشود و قبل از جنگ مشاهده می کردیم در خصوص تجارت ما بین آنها بوده است.

بمداز جنگ غالب دول مزبور ترفه گمرکی خود را تغییر داده و نسبت بعضی از صادرات ایران مانند قالی ترفه گزافی نموده اند و بجای اینکه مأمورین ایران مقیم خارجه ملققت نکند شده و بدولت خود رایورت دهند دولت در این گونه موارد معامله بالمقابل نماید صادرات آنها آزادانه کافی السابق وارد ایران می شود و نتیجه اش این شده است که مال التجاره قالی در ممالک فرانسه - آلمان - ایتالی -

بمداز جنگ غالب دول مزبور ترفه گمرکی خود را تغییر داده و نسبت بعضی از صادرات ایران مانند قالی ترفه گزافی نموده اند و بجای اینکه مأمورین ایران مقیم خارجه ملققت نکند شده و بدولت خود رایورت دهند دولت در این گونه موارد معامله بالمقابل نماید صادرات آنها آزادانه کافی السابق وارد ایران می شود و نتیجه اش این شده است که مال التجاره قالی در ممالک فرانسه - آلمان - ایتالی -

بمداز جنگ غالب دول مزبور ترفه گمرکی خود را تغییر داده و نسبت بعضی از صادرات ایران مانند قالی ترفه گزافی نموده اند و بجای اینکه مأمورین ایران مقیم خارجه ملققت نکند شده و بدولت خود رایورت دهند دولت در این گونه موارد معامله بالمقابل نماید صادرات آنها آزادانه کافی السابق وارد ایران می شود و نتیجه اش این شده است که مال التجاره قالی در ممالک فرانسه - آلمان - ایتالی -

بمداز جنگ غالب دول مزبور ترفه گمرکی خود را تغییر داده و نسبت بعضی از صادرات ایران مانند قالی ترفه گزافی نموده اند و بجای اینکه مأمورین ایران مقیم خارجه ملققت نکند شده و بدولت خود رایورت دهند دولت در این گونه موارد معامله بالمقابل نماید صادرات آنها آزادانه کافی السابق وارد ایران می شود و نتیجه اش این شده است که مال التجاره قالی در ممالک فرانسه - آلمان - ایتالی -

بمداز جنگ غالب دول مزبور ترفه گمرکی خود را تغییر داده و نسبت بعضی از صادرات ایران مانند قالی ترفه گزافی نموده اند و بجای اینکه مأمورین ایران مقیم خارجه ملققت نکند شده و بدولت خود رایورت دهند دولت در این گونه موارد معامله بالمقابل نماید صادرات آنها آزادانه کافی السابق وارد ایران می شود و نتیجه اش این شده است که مال التجاره قالی در ممالک فرانسه - آلمان - ایتالی -

بمداز جنگ غالب دول مزبور ترفه گمرکی خود را تغییر داده و نسبت بعضی از صادرات ایران مانند قالی ترفه گزافی نموده اند و بجای اینکه مأمورین ایران مقیم خارجه ملققت نکند شده و بدولت خود رایورت دهند دولت در این گونه موارد معامله بالمقابل نماید صادرات آنها آزادانه کافی السابق وارد ایران می شود و نتیجه اش این شده است که مال التجاره قالی در ممالک فرانسه - آلمان - ایتالی -

بمداز جنگ غالب دول مزبور ترفه گمرکی خود را تغییر داده و نسبت بعضی از صادرات ایران مانند قالی ترفه گزافی نموده اند و بجای اینکه مأمورین ایران مقیم خارجه ملققت نکند شده و بدولت خود رایورت دهند دولت در این گونه موارد معامله بالمقابل نماید صادرات آنها آزادانه کافی السابق وارد ایران می شود و نتیجه اش این شده است که مال التجاره قالی در ممالک فرانسه - آلمان - ایتالی -

بمداز جنگ غالب دول مزبور ترفه گمرکی خود را تغییر داده و نسبت بعضی از صادرات ایران مانند قالی ترفه گزافی نموده اند و بجای اینکه مأمورین ایران مقیم خارجه ملققت نکند شده و بدولت خود رایورت دهند دولت در این گونه موارد معامله بالمقابل نماید صادرات آنها آزادانه کافی السابق وارد ایران می شود و نتیجه اش این شده است که مال التجاره قالی در ممالک فرانسه - آلمان - ایتالی -

بمداز جنگ غالب دول مزبور ترفه گمرکی خود را تغییر داده و نسبت بعضی از صادرات ایران مانند قالی ترفه گزافی نموده اند و بجای اینکه مأمورین ایران مقیم خارجه ملققت نکند شده و بدولت خود رایورت دهند دولت در این گونه موارد معامله بالمقابل نماید صادرات آنها آزادانه کافی السابق وارد ایران می شود و نتیجه اش این شده است که مال التجاره قالی در ممالک فرانسه - آلمان - ایتالی -

بمداز جنگ غالب دول مزبور ترفه گمرکی خود را تغییر داده و نسبت بعضی از صادرات ایران مانند قالی ترفه گزافی نموده اند و بجای اینکه مأمورین ایران مقیم خارجه ملققت نکند شده و بدولت خود رایورت دهند دولت در این گونه موارد معامله بالمقابل نماید صادرات آنها آزادانه کافی السابق وارد ایران می شود و نتیجه اش این شده است که مال التجاره قالی در ممالک فرانسه - آلمان - ایتالی -

مجارستان - رومانی بکلی شکست خورده است.

مخصوصاً از همه سخت و سنگین تر دولت آلمان است يك قسمت مهم و قابل توجه واردات مملکت ما عبارت از مال التجاره آن است بعد از آنکه هر کیلو گرمی ۱۲ مازک طلا وضع کرده است.

باز از ورود قالی منم نموده - این موضوع سؤال بنده است که آیا همانطور که در نمره (۲۸۱) روزنامه شفق سرخ یکی از تجار مقیم اروپا نوشته صحیح است یا خیر و در صورتی صحت دارد و آن مال التجاره را باین که صدسال دوست سال عمر می کند و ضایع نمیشود بستان له کس بپذیرفته اند و مالیات گزاف و گمرک گزاف را وضع کرده اند.

آیا دولت ایران مخصوصاً وزارت معترم تجارت در نظر دارند معامله متقابله بنمایند و آیا در نظر دارند چیزهایی که وارد این مملکت می شود و حقیقتاً هم لو کس هست از قبیل پارچه های ابریشمی و اقسام عطریات و انواع عروسک ها که آنها وارد میکنند با آنها معامله متقابله میکنند؟

یعنی يك گمرکات خاصی برای این اشیاء لو کس وضع کنند همان طور که آنها قالی ما اجازه اشیاء لو کس حساب کرده اند اشیاء لو کس آنها هم که وارد این مملکت می شود گمرک مخصوصی بگیرند یا خیر؟

سؤال بنده یکی راجع بموضوع اولی بود که عرض کردم یکی هم راجع باین موضوع.

وزیر فوائد عامه - آقای طهرانی يك مطلب خیلی مهمی را طرح بیان کردند و حقیقتاً باید جالب توجه همه آقایان واقع شود.

زیرا اهمیت قالی و تجارت قالی بر کسی پوشیده نیست.

اینکه فرمودید رایورت بمانی رسد این طور نیست. ما هم امم خودمان از این قضایا اطلاع داریم و رایورت هم بمانی رسد و همینطور است که فرمودند. مدتی است قالی چینی و تنها قالی چینی هم نیست.

قالی های عثمانی هم هست که با قالی های ایران رقابت می کند و با نهایت تأسف باید این حقیقت را اعتراف کرد.

ولی فقط این اعتراف کافی نیست و این مطلب هم بدولت نیست.

زیرا با وجود شرایطی که برای رقابت و آزادی تجارت لازم است بنگانه علاجی که برای جلوگیری از این قضا یا هست جدید فوق العاده و زحمت کشیدن تجار قالی است و تا زمانی که خود آنها جدید نگنند ممکن نیست تجارت قالی ایران موفق شود در بازار دنیا مقام از دست رفته

خودش را بدست بیاورد.

شش ماه و چهل روز کارگر چینی و کارگر ایرانی با هم ترفه دارند.

خودش را بدست بیاورد.

شش ماه و چهل روز کارگر چینی و کارگر ایرانی با هم ترفه دارند.

خودش را بدست بیاورد.

شش ماه و چهل روز کارگر چینی و کارگر ایرانی با هم ترفه دارند.

بعلاوه یکی از مسائل فوق العاده موثر برای رقابت بودن و نبودن راه است در چین اغلب مؤسسات قالی بافی بازرگانی رزود خانهای صده است که قابل کشتی رانی است یا در کنار دریاست و تصدیق بفرمایند که این مسئله فوق العاده مؤثر است زیرا قالی را که بوسیله شتر فرساً از کرمان به آذربایجان بیاورند و بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید.

بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید.

بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید.

بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید.

بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید.

بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید.

بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید.

بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید.

بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید.

بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید.

بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید.

بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید.

بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید.

بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید و بیاورند بکار می آید.

والیه خود مردم بایدهدیت بکنند تا این کار
 ما اصلاح شود والا تصور اینکه دولت در هر
 کار باید اقدام کند هیچوقت مقصود را
 تأمین نمی کند بلکه تسبیح دیگر سوال آقای
 طهرانی را چه بود بمالیات های گزافی که
 در بعضی ممالک اسم بردند در آلمان هر
 کس که در دوازده مارک طلا وضع کرده اند
 و فرمودند نمایندگان ایران اقدام نکنند
 در صورتی که این طور نیست نمایندگان
 ایران اقدام کرده اند اول بر هر کیلو
 گرمی دوازده مارک طلا بود بعد بکلی
 آلمان ها منته کردند و در نتیجه اقدامات
 همان مامورین دولت ایران بود که آن
 منته را مرتفع نمودند و امره بیدخته تنها
 دوازده مارک طلاست سی و شش مارک طلا
 از قالی ممالک می گیرند
 در سایر ممالک هم از قالی ایران بمالیات های
 گزافی می گیرند و البته این بکنند که برانند
 از نظر دور که در گیس از جنگ به المثل
 ممالک از برای جبران خسارات گذشته
 خودشان بک تصبیحات اساسی اتخاذ کرده
 اند من جمله در آلمان بواسطه بدین
 خسارات زیاد هر دو تمام اشیاء تجاری را منته
 کرده اند و منحصراً بقالی مانیست آقای
 طهرانی اشاره فرمودند باینکه آباء دولت
 در صدر معامله متفانه بر آمده است باز
 یعنی بسات دیگر خواستند بف مانند که
 دولت ایران در صدر یک حنت گم کرد
 هر چه اهد بر آید باز راست است ما
 نهایت تأسفیر ادا را از اینکه هر ابرمال اجازه
 مایک گم کرد سنگین و زبانی تمیل می
 شود ولی در حال هیچ مکتبی این عمل را
 سهولت نمی گویند و سهولت وصل بیک
 چنین اقدامی نمی شوند درستی منته
 احتیاجات خودشان را هم از نقطه نظر واردات
 طلا از نقطه نظر صادرات ملاحظه می کنند
 و پس از اینکه این مطالب را خوب تحت
 مطالعه قرار دادند آن وقت اقدام می کنند
 فقط از نقطه نظر اینکه چون توازال اجازه
 من جلوگیری کردی من هم حتماً می
 شوام این کار را بکنم این اقدام رانی
 کند پس از آنکه دیدند اگر جلو گیری
 از ورود بک مال اجازه ضرری متوجه
 خودشان نمی شود این اقدام را می کنند
 در این باب هم مشغول مطالعات هستیم ولی
 متأسفانه هنوز نتوانسته ایم تصمیم قطعی
 اتخاذ کنیم زیرا در این باب از یک طرف
 افکار عامه می گویند از ورود اشیاء تجاری
 باید جلو گیری بشود از طرف دیگر
 ادارات مربوطه از قبیل اداره گمرک که شاید
 زیاد صلاحیت حکمت و قضاوت رداشته
 باشد چون کلیه ارفاق و اعدا را می بیند آن
 ها این اقدام را زیاد مقرون بصرفه نمی دانند
 ولی معیناً مطلب فوق العاده محتاج به مطالعه
 و مذاقه است و مشغول مطالعه و مذاقه هستیم
 و پس از آنکه نتیجه مطالعه و مذاقه مان
 معلوم شد آن وقت اگر صلاح سلکت نبود

دیدیم این اقدام موجب ضررهای اقتصادی
 برای مملکت می شود آن وقت ناچاریم
 بگوئیم قالی ما تحمل بک خسارت را بکنند
 بهتر است تا اینکه تحمل دو خسارت را بکنیم
 رئیس - آقای سلطان الملک
 (اجازه)
 سلطان الملک - بنده چند روز است که
 مکرر اجازه خواسته ام که راجع بقانون
 استخدام معلمین که از کمیسیون مبتکات
 گذشته است پیشنهاد کنم و از مقام ریاست
 تقاضا نام جز دستور شود و متأسفانه فرصت
 نشد و امروز هم که آقای طهرانی میخواستند
 مشغول از وزارت فواید عامه بشانند بنده
 گمان می کردم در وقت نوبت بنده نخواهد
 رسید ولی حالا که اجازه فرمودند عرض می
 کنم البته خاطر محترم آقایان مستفرض
 است که طرح قانونی استخدام معلمین
 شش ماه قبل پیشنهاد شد و جمعی از
 آقایان نمایندگان هم امضای کردند و
 تقدیم مجلس شد و از مجلس هم بکمیسیون
 مبتکات ارجاع نمودند ولی در این بین
 بک لایحه قانونی هم از طرف دولت پیش
 نهاد شد و نظر اینکه لایحه قانونی دولت
 مقدم بود وقت بکمیسیون معارف ولی بعد
 در صدد معامله متفانه بر آمده است باز
 یعنی بسات دیگر خواستند بف مانند که
 دولت ایران در صدر یک حنت گم کرد
 هر چه اهد بر آید باز راست است ما
 نهایت تأسفیر ادا را از اینکه هر ابرمال اجازه
 مایک گم کرد سنگین و زبانی تمیل می
 شود ولی در حال هیچ مکتبی این عمل را
 سهولت نمی گویند و سهولت وصل بیک
 چنین اقدامی نمی شوند درستی منته
 احتیاجات خودشان را هم از نقطه نظر واردات
 طلا از نقطه نظر صادرات ملاحظه می کنند
 و پس از اینکه این مطالب را خوب تحت
 مطالعه قرار دادند آن وقت اقدام می کنند
 فقط از نقطه نظر اینکه چون توازال اجازه
 من جلوگیری کردی من هم حتماً می
 شوام این کار را بکنم این اقدام رانی
 کند پس از آنکه دیدند اگر جلو گیری
 از ورود بک مال اجازه ضرری متوجه
 خودشان نمی شود این اقدام را می کنند
 در این باب هم مشغول مطالعات هستیم ولی
 متأسفانه هنوز نتوانسته ایم تصمیم قطعی
 اتخاذ کنیم زیرا در این باب از یک طرف
 افکار عامه می گویند از ورود اشیاء تجاری
 باید جلو گیری بشود از طرف دیگر
 ادارات مربوطه از قبیل اداره گمرک که شاید
 زیاد صلاحیت حکمت و قضاوت رداشته
 باشد چون کلیه ارفاق و اعدا را می بیند آن
 ها این اقدام را زیاد مقرون بصرفه نمی دانند
 ولی معیناً مطلب فوق العاده محتاج به مطالعه
 و مذاقه است و مشغول مطالعه و مذاقه هستیم
 و پس از آنکه نتیجه مطالعه و مذاقه مان
 معلوم شد آن وقت اگر صلاح سلکت نبود

دو طرف انگراف که از شیراز و خوشن
 مغایره کرده دند تقاضای بک ماده بیست
 روز مرخصی کرده بودند
 از نظر اولی کمیسیون چون دلیل صحت
 نیات که بانگشاه آنها تصویب کند
 تقاضای ایشان را نپذیرفت لیکن پس از
 آنکه وارد شدند در آلمان که اظهار داشتند
 کمیسیون را قائم گردانید لذا تصویب
 می نماید که از تاریخ ۲۹ عترب تا مدت
 پنجاه روز غایب نا اجازه منظور شوند
 نایب رئیس - بفرمائید
 بنده گمان نمی کنم این مسئله سابقه
 داشته باشد چون راپرت را که کمیسیون
 مجلس داده است شفا که در برابر بی
 در این خصوص بمجلس آمده و مجلس هم
 رای نداد منتظر باید از کمیسیون بخواهد
 نمایند والا پس از رای مجلس تجدید نظر
 بشود
 در مرتبه ماوردند بمجلس این ترتیب سابقه
 ندارد و کمیسیون مشغول است که چرا
 تحقیق خود را اول خوب نگردانند
 نایب رئیس - بک راپرتی داده اند
 باید در این باره
 آقای آسید یعقوب
 (اجازه)
 مثلاً کمیسیون خارج را چه بلوا بوم
 خارجه که مربوط به خودش است و وقت بک
 راپرتی بمجلس می دهد رود می شد دیگر
 در مرتبه آن مطلب نباید در آن کمیسیون
 مورد بحث و مذاکره واقع شود و مثل
 این میماند که در رای مجلس بک استیضایی
 باشد و این مسئله مغایر باشونی مجلس
 است و اگر کمیسیون عرایض نتوانسته است
 بک تحقیقات و مطالعات کاملی بشانند این
 مسئولیت متوجه خود کمیسیون است و
 کمیسیون نمیتواند راپرتی را که مجلس
 تصویب نکرده و در معنی مرخصی آقای
 قائم مقام الملک روضه است
 ثانیاً تجدید نظر نماید و بنده نام
 احترامات و شئون رای مجلس تأیید
 می کنم
 فرمایشات آقای آسید یعقوب را می
 اینکه کمیسیون راپرتش را پس بگیرد
 و وقت و مطالعه کاملی بنماید و ببیند این
 راپرتی که داده است آیا ذی حق است یا
 خیر
 کازرونی - (مخبر کمیسیون) بنده
 مجبور از نقطه نظر کمیسیون دفاع کنم و
 عرض کنم که گویا رای آقایان اشتباهی
 رخ داده است
 آقایان خیال میکنند بک واپرتی از
 کمیسیون بمجلس آمده و مجلس رای نداد
 و حالا مجدداً کمیسیون تجدید نظر کرده
 و تقدیم مجلس نموده است در صورتیکه
 اتفاقاً اینطور نیست
 آقای قائم مقام بک و آقای دبیر
 اعظم بک مسافرتی برایشان پیش آمده و
 حرکت کردند و کمیسیون تصورش این

و یکفقره دیگر هم بیست روز که بمجلس
 هفتاد روز می شود
 از کمیسیون یک خبر تقدیم مجلس شد
 و مجلس مطابق خبر کمیسیون رای داد و
 بیست روزش تصویب شد و باقی ماند پنجاه
 روز اگر چه خبر را کمیسیون نوشته بود
 ولی در مجلس قرائت و محل مذاکره واقع
 نشد تا اینکه آقای خودشان تشریف آوردند
 و توضیحاتی دادند که کمیسیون رافع کردند
 و چون راپرت هنوز بمجلس نیامده بود وقت
 تجدید نظر درش باقی بود این بود که
 کمیسیون تجدید نظر کرد و راپرتش هم
 اینست که حالا بمجلس آمده است و آقایان
 اشتباه کرده اند
 (جمعی از نمایندگان اظهار نمودند -
 مذاکرات کافی است رای بگیرید)
 مدرس - اینطور که توضیح دادند
 بنده هم مخالفتی دارم اگر در مجلس رای
 داده نشده
 نایب رئیس - چون بعضی از آقایان
 بیرون تشریف بردند و نمی آیند چند دقیقه
 تنفس داده شود
 آقای آسید یعقوب - خبر کنید
 بیایند
 نجات - این چه ترتیبی است
 نایب رئیس - همانتا چند دقیقه
 تنفس داده می شود
 (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل
 و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشکیل
 گردید)
 نایب رئیس - آقای دولت آبادی
 (اجازه)
 حاج میرزا یحیی دولت آبادی -
 بنده خواستم خاطر محترم آقایان را
 متوجه کنم بماده ۱۱ نظامنامه راجع به
 دستور مجلس و اینکه در آخر هر جلسه
 باید دستور جلسه آتی را معین کرد و بنابر
 این استماع میکنم در آخر جلسه دستور
 جلسه آتی را تعیین بفرمائید
 زیرا معلوم نیست در این جلسه دستور
 چه چیز است و این ترتیب هم با احترام
 مجلس بر می خورد و هم آقایان و کلاه تکلیف
 می مانند
 نایب رئیس - جلسه گذشته عده
 کافی نبود که دستور معین شود
 آقای حاجی ملک التجار
 (اجازه)
 حاج ملک التجار - راجع باستجازه
 آقای قائم مقام الملک از نقطه نظر اینکه
 کمیسیون کاملاً ادای تکلیف کرده است
 هیچ محل گفت گو و ایرادی نیست ولی بنده
 باینکه آقای کازرونی بیانات کافی فرمودند
 مفادک برای تأیید مذاکرات ایشان لازم
 است توضیحاتی بدهم
 آقای قائم مقام الملک و آقای دبیر
 اعظم بک مسافرتی برایشان پیش آمده و
 حرکت کردند و کمیسیون تصورش این

بود که بدون اجازه حرکت کرده اند این
 بود که آن بیست روز اول را که نوشته اند
 آقایان بعد از حرکتشان رسید
 کمیسیون تصویب نکرد و آن بیست
 روز را غایب بدون اجازه تصور کرد ولی
 بمعلوم شد که آقای رئیس اجازه مرحمت
 کرده بودند
 باین معنی که آقای رئیس اجازه کرده
 بودند و تحصیل اجازه نموده بودند ولی
 حضرت ریاست پناهی دیر بک کمیسیون عرایض
 اطلاع داده بودند
 این بود که کمیسیون هم آقایان را غائب
 بی اجازه نوشته بود و بعد تلگرافی هم از
 شیراز و هم از محضر رسید که آقایان قائم
 مقام الملک و دبیر اعظم پنجاه روز یعنی سی
 روز از شیراز و بیست روز از محضر مجدداً
 استجازه کرده بودند و تمدید مدت مرخصی
 را تقاضا نموده بودند
 این بود که راپورت اول که بیست روز
 باشد آمد بمجلس و در مجلس هم راپورت
 کمیسیون رای گرفته و تصویب شد و اگر چه
 در آن پنجاه روز مرخصی کمیسیون رای
 منفی داد
 ولیکن چون در مجلس قرائت نشده
 بود و هر دو آقایان هم اعتراض باین قضیه
 داشتند اظهار نمودند که ما هم در موقع حرکت
 وهم در بین راه استجازه نموده ایم و بک
 دلایلی اقامه کردند که عقیده سابق کمیسیون
 را متزلزل کرد
 باین ملاحظه بنده با حضرت ریاست
 پناهی مذاکره نمودم و ایشان هم اشکالاتی
 در این باب تصور نکردند
 باین جهت کمیسیون رای داد که این
 پنجاه روز آخر هم غائب با اجازه منظور
 شوند
 و در واقع آن بیست روز اول را هم
 نمی شود غائب بی اجازه تصور کرد
 زیرا که اینجا قبلاً از حضرت ریاست
 پناهی استجازه کرده بودند و بعد تشریف
 برده بودند
 ولی چون آن راپرت آمد در مجلس و
 مجلس هم اینطور رای داد
 البته در این موضوع نمی شود حرف
 زد و اینهم از نقطه نظر اقتصاد نیست که
 آقای قائم مقام الملک اصرار دارند که این
 راپرت در مجلس شورایی طرح شود و
 رای بگیرند
 و شاید خود ایشان در راه مبلغی زیاد
 بایک اشخاصی مساعدت میکنند
 ولی از نقطه نظر حفظ حیثیات و
 احترامات مجلس البته مقید هستند که
 ایشان را غائب بی اجازه نخوانند و تصور
 نمی کنم کمیسیون هم برخلاف وظیفه رفتار
 کرده باشد
 این است که در آن بیست روز اول
 رای گرفته شده است و فقط در این پنجاه
 روز اخیر باید رای گرفته شود دیگر بسته

است بنظر آقایان
 نایب رئیس - رای گرفته میشود
 این راپرت - آقایانی که تصویب میکنند
 قیام فرمائید
 (اقلب قیام نمودند)
 نایب رئیس - تصویب شد لایحه
 اوزان و مقادیر بر حسب رای مجلس جزو
 دستور است اگر مخالفی نیست مطرح
 شود
 آقای آسید یعقوب - بنده مخالفم
 نایب رئیس - بفرمائید
 آقای آسید یعقوب - لایحه اوزان و
 مقادیر همین طور که میفرمائید جزو دستور
 بود ولی در درجه پنجم و دوسه لایحه دیگر
 قبل از این جزء دستور بود
 یک نفر از نمایندگان - اینطور
 نیست
 آقای آسید یعقوب - بلی اینطور است
 یکی لایحه راجع بقانون انتخابات بود و
 یکی هم لایحه قانون مالیات تصاعدی بود
 که قریب چهل نفر از آقایان پیشنهاد کردند
 و این مسئله فوق العاده اهمیت دارد
 زیرا مجلس شورایی کارش مبارک است
 از وضع و نسخ مالیات و این بک مالیاتی است
 که فوق العاده از نقطه نظر مملکت اهمیت
 دارد و تقاضا کردند که کمیسیون در ظرف
 دهر روز نظریات خودش را تنظیم نموده و
 بمجلس بیاورد
 بنده در روز آخر جلسه گرفتار بودم
 و مرخص شدم و همان طوریکه آقای تدین
 و بعضی از آقایان نمایندگان دیگر آن
 پیشنهاد را تقدیم مقام ریاست کرده بودند
 که در این موضوع صحبت شود بنده چون
 یکی از پیشنهاد کنندگان هستم این است
 که تقاضا میکنم این مسئله امروز جزو
 دستور شود که تکلیفش نفاً و اثباتاً معلوم
 شود و بعد اگر وقت داشتیم راجع بلایحه اوزان و
 مقادیر صحبت میکنم بنده تقاضا میکنم از آقای
 مغیر که خود ایشان تقاضا کنند که این
 مسئله جزو دستور گذاشته شود و مساعدتی
 با قوت و اقتدار از مجلس بفرمائید که بک
 مسئله که طرح شده جریان خودش را طی
 بنماید و تکلیفش معلوم شود منتهم پیشنهادها
 میرود بکمیسیون و در شورائی اصلاح میشود
 و همانطور که آقای مشار اعظم فرمودند
 نظامنامه اش راهم ممکن است منضم کنند
 ما هم کاملاً موافق هستیم
 بنابر این استماع میکنم این لایحه جزو
 دستور امروز گذاشته شود که رای قطعی
 درش داده شود و بعد اگر لایحه اوزان و
 مقادیر یا لایحه دیگری باشد ما هم موافقیم
 نایب رئیس - (خطاب بآقای رهمن)
 سر کار پیشنهاد کرده اید که در موضوع
 آن پیشنهاد مذاکره شود؟
 رهمن - بنده عرض میکنم که این

موضوع زیاد درش بحث شود دامنه اش
 تا ظاهر کشیده میشود و شاید هم نتیجه گرفته
 نشود
 جمعی از آقایان پیشنهاد کرده اند که
 در ظرف ده روز کمیسیون راپورت خودش
 را بدهد همه از آقایان اظهار کردند که
 نمیشود کمیسیون را ملزم کرد
 بالاخره این قضیه باید خاتمه پیدا
 کند که مجلس حالت طبیعی خودش را
 پیدا کند
 آقایان بعضی عقیده شان این است
 که کمیسیون را نباید ملزم کرد ولی اشخاصی
 که این پیشنهاد را کرده اند نظرشان این
 است که اگر در ظرف ده روز کمیسیون
 راپورت خودش را تقدیم مجلس نکند
 همین لایحه مطرح شود و اگر در اطرافش
 نظریاتی هست پیشنهاد شود شود و برود
 کمیسیون که این لایحه معطل ماند و در
 حقیقت مقصودشان این است که تازه روز
 بکمیسیون وقت داده شود که در این لایحه
 تجدید نظر نماید و اگر پس از ده روز راپرت
 جدیدی تهیه نکرد همان راپورت کمیسیون
 اول که در این کمیسیون هم تصویب شده و
 دولت پیشنهاد کرده مجسماً مطرح شود
 در حقیقت مقصود این است که بدون تجدید
 نظر کمیسیون فعلی لایحه در مجلس مطرح
 نشود که باعث معطلی باشد
 نایب رئیس - رای میکنیم به
 پیشنهاد آقای آسید یعقوب - آقایانی
 که تصویب میکنند این لایحه مقدم بر
 لایحه اوزان و مقادیر باشد قیام فرمائید
 (همه ای قیام نمودند)
 نایب رئیس - تصویب شد لایحه
 اوزان و مقادیر مطرح است
 سر کشیکزاده - بنده پیشنهادی
 دارم
 نایب رئیس - در چه موضوع
 است؟
 سر کشیکزاده - راجع به این
 مالیات تصاعدی است که تا ده روز دیگر
 جزء دستور شود
 نایب رئیس - بسیار خوب - بمندوش
 رای میکنیم فعلاً لایحه اوزان و مقادیر
 مطرح است
 آقای هرمزی
 (اجازه)
 هر هزی - عرضی ندارم
 نایب رئیس - ماده اول قرائت
 میشود
 (شرح ذیل خوانده شد)
 ماده اول - اوزان و مقیاسهای رسمی
 مملکت ایران از تاریخ نشر این قانون
 مطابق اصول مطری بوده و از روی مطرو
 کبیلو گرام و لیتر کمیسیون بین المللی متر
 تنظیم یافته و واحد اساس آنها از قرادیل
 خواهد بود

و یکفقره دیگر هم بیست روز که بمجلس
 هفتاد روز می شود
 از کمیسیون یک خبر تقدیم مجلس شد
 و مجلس مطابق خبر کمیسیون رای داد و
 بیست روزش تصویب شد و باقی ماند پنجاه
 روز اگر چه خبر را کمیسیون نوشته بود
 ولی در مجلس قرائت و محل مذاکره واقع
 نشد تا اینکه آقای خودشان تشریف آوردند
 و توضیحاتی دادند که کمیسیون رافع کردند
 و چون راپرت هنوز بمجلس نیامده بود وقت
 تجدید نظر درش باقی بود این بود که
 کمیسیون تجدید نظر کرد و راپرتش هم
 اینست که حالا بمجلس آمده است و آقایان
 اشتباه کرده اند
 (جمعی از نمایندگان اظهار نمودند -
 مذاکرات کافی است رای بگیرید)
 مدرس - اینطور که توضیح دادند
 بنده هم مخالفتی دارم اگر در مجلس رای
 داده نشده
 نایب رئیس - آقای ذعیم
 (اجازه)
 ذعیم - بنده در اصل مطلب که پنجاه
 روز مرخصی برای آقای قائم مقام الملک
 تصویب بشود یا نشود عرضی ندارم و اینقدر
 هم منافع غیر نیست که پولی که در مجلس
 هست بایشان داده نشود در اصل موضوع
 حرف داشتیم و آن این است که کمیسیونهای
 که در مجلس هست هر کدام در حدود خودشان
 باید راپرت هر را که میداند بایک نظر
 تلقی شود البته کمیسیون عرایض و مرخصی
 تمام مطالبش راجع به همین موضوع
 است
 مثلاً کمیسیون خارج را چه بلوا بوم
 خارجه که مربوط به خودش است و وقت بک
 راپرتی بمجلس می دهد رود می شد دیگر
 در مرتبه آن مطلب نباید در آن کمیسیون
 مورد بحث و مذاکره واقع شود و مثل
 این میماند که در رای مجلس بک استیضایی
 باشد و این مسئله مغایر باشونی مجلس
 است و اگر کمیسیون عرایض نتوانسته است
 بک تحقیقات و مطالعات کاملی بشانند این
 مسئولیت متوجه خود کمیسیون است و
 کمیسیون نمیتواند راپرتی را که مجلس
 تصویب نکرده و در معنی مرخصی آقای
 قائم مقام الملک روضه است
 ثانیاً تجدید نظر نماید و بنده نام
 احترامات و شئون رای مجلس تأیید
 می کنم
 فرمایشات آقای آسید یعقوب را می
 اینکه کمیسیون راپرتش را پس بگیرد
 و وقت و مطالعه کاملی بنماید و ببیند این
 راپرتی که داده است آیا ذی حق است یا
 خیر
 کازرونی - (مخبر کمیسیون) بنده
 مجبور از نقطه نظر کمیسیون دفاع کنم و
 عرض کنم که گویا رای آقایان اشتباهی
 رخ داده است
 آقایان خیال میکنند بک واپرتی از
 کمیسیون بمجلس آمده و مجلس رای نداد
 و حالا مجدداً کمیسیون تجدید نظر کرده
 و تقدیم مجلس نموده است در صورتیکه
 اتفاقاً اینطور نیست
 آقای قائم مقام بک و آقای دبیر
 اعظم بک مسافرتی برایشان پیش آمده و
 حرکت کردند و کمیسیون تصورش این

بنده پیشنهاد میکنم - وزارت تجارت نظامنامه ترتیب داده و هر یک از اینها را با اوزان و مقدار و مقیاس های ولایات تطبیق کند.

بجهت اینده گرم تقریباً دو مقدار و کسری است و صد گرم بیست مقدار و کسری است و صد گرم در این صورت تقریباً دوست مقدار و کسری است

نایب رئیس - آقای دستغیب (اجازه) دستغیب - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای آقامیرزا شهاب (اجازه) آقامیرزا شهاب - بلی

محمدشاه امیرزا شاهزاده شیخ الرئیس - بنده اشکال بعضی از آقایان را که میفرمایند باعث سرگردانی اشخاص خواهد شد و دردی دانه و اساساً بیکی از چیزهایی را که ما را واداشته است که این مقیاسها را معین کنیم برای رفع اشکالاتی است که از نقطه نظر اشکالات اوزان ولایات حاصل می شود و از آن طرف این اوزانی که حالاً معین می شود باید طوری باشد که در همه جا مردم بدانند و با اوزان قدیمه درست تطبیق کند تا اسباب زحمت نشود و بنده از این نقطه نظر بود که پیش نهاد کردم نظامنامه مفصلی در این باب جهت تطبیق تهیه شود.

نایب رئیس - آقای شیروانی (اجازه) شیروانی - آقای گویا فلسفه این قانون را ملتفت شده اند

نایب رئیس - آقای خرمی (اجازه) خرمی - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

این قانون برای ترتیب اوزان و مقادیر است که روی اشخاص باشد با اینجا کسور متعارفی جزش می کشید ما می خواهیم از این ترتیب خلاص شویم و ترتیب اشعارتاری شود وقتی که بگوئیم سه سنگ کسور متعارفی میشود و این مثل ترتیب قدیم می شود و باز ما دچار یک یک من و یک چارک و چند سیر می شویم و این موضوع برای این است که اشعاری باشد.

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای سید یاقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - بنده خیلی تعجب دارم از حضرت والا شاهزاده شیخ الرئیس مقام وضع قانون و مقام عدل دوتا است ماضیاً قانون می نویسیم برای این که اصلاحاتی در اوزان و مقادیر مملکت بشود و البته بعد از آنکه قانون گذشت در مقام عدل یک نظامنامه تدوین خواهد شد تطابق آن نظامنامه عدل شود

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای سلطان الملماء (اجازه) سلطان الملماء - بنده چون این لایحه جزو دستور نبود لایحه را ننویسم بود حالا که خوانده شد معلوم شد هم دولت و هم مردم میتوانند این اوزان را معین کنند و در صورتی که مردم معین کردند دولت باید یک علامتی روی آن بگذارد و بنده پیشنهاد کردم که این علامت را که دولت میگذارد مجانی باشد.

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - بنده خیلی جسارت میکنم باین پیشنهاد مخالف هستم بقدری ما در این مجلس واقعاً مقام خواجه تاشانی پیدا کرده ایم که بهر چیزی که تعلق دولت است فوراً پیشنهاد می کنیم مجانی باشد دولت مجانی مملکت را نمی تواند اداره کند.

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - عرضی ندارم

رئیس - آقای دکتر احیاء السلطنه (اجازه)
احیاء السلطنه - بنده راند صورت مجلس جزو غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتی که بنده عرض بودم شرحی هم عرض کرده بودم
رئیس - تحقیق میشود بعد اصلاح میشود
آقای حائریزاده (اجازه)
حائریزاده - قبل از دستور عرض دارم
رئیس - آقای شیروانی
شیروانی - عرض بنده هم قبل از دستور است
رئیس - آقای سرکشیکزاده (اجازه)
سرکشیکزاده - بنده هم قبل از دستور عرض دارم
رئیس - صورت مجلس گویا اشکالی نداشته باشد؟
(گفتند - خیر)
رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)
حائریزاده - امروز لایحه اوزان و مقادیر جزو دستور است لیکن یک خبری از کمیسیون مبتکرات راجع به تبصیر عشر شرعایات مملکتی بجهت مازاد و صجبه داده شده و تصور میکنم فوریت آن بیشتر باشد
 چونکه دولت مشغول تنظیم بودجه سال آتی است و باید نظر مجلس هم در این خصوص معلوم شود
 لذا استدعا میکنم قبل از شروع به دستور این خبر کمیسیون مبتکرات را مطرح بفرمایند تا رأی بقابل توجه بودن آن داده شود
 بعد وارد دستور بشویم
 یکی دیگر هم اینکه کمیسیون مبتکرات فقط ارجاع بکمیسیون بودجه را تقاضا کرده است و بنده متقدم بکمیسیون هم مراجعه بشود
رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - البته غالب آقایان این هریضی را که بنده میخواهم عرض کنم مطلع هستند در ولایات و شهرها سابقاً یک عوایدی بتوان عایدات بلدی اخذ میشده است
 این عایدات یک چیزی است که نسبت بهر محل تقریباً برای مخارج بلدی کافی است ولی وقتی که تمام اینها روی هم جمع کنند و از ولایات بگیرند برای بودجه مملکتی آن اندازهها قابل نیست که تأثیری هم در مردم زیادی بودجه ندارد
 مجلس شورای ملی هم در دوره دوم یک عایدات مخصوص بتوان نوازل برای

بلدی های ولایات وضع کرد و این هم در سنوات اخیر بجهت ترمیم اعتبارات و یک عایدات خوب محل شده است ولی بالاخره این عایدات مانع مصرف و عنوانی که قبل از مشروطیت و در حین مشروطیت وضع شده است
 نرسیده است و حالا هم نرسد بلکه سابقاً چون بتوان مالیات مملکتی گرفته میشد و کلانترهای محل از بابت مخارج این پولها را میگرفتند
 اداره کلانتری و نظایر آن پولها را به صرف شهر میرساندند
 ولی بعد که ادارات در قلمرو این پول را با ادارات مالیه دادند بکلی جزو عایدات مملکتی شده
 و بالاخره پول خاصی که بعنوان مخارج خاصی گرفته میشد جزو عایدات کلی مملکتی محسوب شده
 وضعیت خرابی ولایات و نداشتن حفظ الصحه و بی ترتیبی امور معاش مردم و بالاخره فقدان بلدی هم یک چیزی است که لازم نیست بنده در آن خصوص توضیح زیادی بدهم البته همه آقایان میدانند
 بنابه همین نظریه و اینکه در این خصوص شرح مسیولی از ولایات بنا میرسد این بود که بنده یک ماده واحد بطور طرح قانونی تقدیم مجلس شورای ملی میکنم و اکثر آقایان هم امضا فرموده اند (و شاید اگر میداد همه آقایان امضا میفرمودند) که عایدات بلدی هر محلی به صرف همان محل برسد بعضی از نمایندگان صحیح است
رئیس - آقای سرکشیکزاده (اجازه)
سرکشیکزاده - بنده برای اینکه وقت مجلس را تضییع نکرده باشم عرضم را مختصر عرض میکنم ولی در عین حال این عرضی که میخواهم بکنم خیلی مهم است
 دیروز در روزنامه ستاره ایران شرحی از یک اکتشافاتی نوشته بود که از نقطه نظر تمدن قدیم ایران و تاریخ ایران خیلی مهم است این است که بنده میخواهم از وزارت معارف در این خصوص استوایی بکنم ولی چنانچه آقایان ملاحظه بفرمایند آقایان وزراء جواب استوالات را شاید بعد از ۳ ماه هم حاضر نمیشوند بدهند این بود که لازم دانستم هریض خودم را در مجلس شورای ملی عرض کنم که چون این یک سرعت مهمی نسبت به تمدن و تاریخ ایران بوده است وظیفه نظایر است این اشخاص که این کار را کرده اند تعقیب نماید و این مجسمه که گفته میشود کشف شده است بگیرند و مرتکبین راهم مجازات کنند و بقیه بنده لازم است هیئت دولت برای حفريات قانونی تهیه نموده و بجلد شورای ملی پیشنهاد کنند
 زیرا چنانچه ملاحظه میشود در سال

شاید يك كرور از حفريات مملكت استفاده مينمايند و در بوجه دولت دوهزار تومان بيشتر از تاريخه پيش بيني نشده بنا بر اين بنده خواستم عرض کنم که نظایر باستی این مسئله را با نهایت جدیت تعقیب کند و معلوم کند این اشخاص که این کار را کرده اند کی ها بوده اند و بزودی این چیزی را که برده اند استرداد کنند
 بعضی از نمایندگان صحیح است
رئیس - لایحه اوزان و مقادیر از ماده چهارم مطرح است
حائریزاده - بنده پیشنهاد میکنم فعلاً خبر کمیسیون مبتکرات مطرح شود
رئیس - بنویسید بدهید تا رأی بگیریم ماده چهارم
(این طور فرات شد)
 ماده چهارم - کلیه مقیاسهائی که تهیه میشود باید کاملاً مطابق با نمونه های رسمی باشد که از طرف دولت تهیه شده و مقدار هر يك با اعداد و تمام حروف بطور واضح و ثابت بر روی آنها رسم شده باشد مگر اوزان خیلی کوچک که رسم مقادیر آنها فقط با ارقام هندسی کافی است
رئیس - آقای اشگر (اجازه)
اشگر - بنده عرض ندارم
رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
کازرونی - عرضی ندارم
رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)
سلطان العلماء - این جانور شده مگر اوزان خیلی کوچک
 این لفظ بهم است و اگر نوشته شود اجزاء واحد مقیاس بنظر من بهتر است
 ملاحظه فرموده اند - مقصود از این ماده آنها با تمام حروف بطور واضح در روی آنها رسم شده باشد حالا پاره اوزان بقدری کوچک است که نمیشود تمام حروف را روی آن بنویسند باین جهت نوشته شده برای اوزان خیلی کوچک ارقام هندسی کافی است که روی آن رسم کنند حالا اگر آن مقیاس بزرگ بود با حروف مقدار آن را روی او میگذارند و اگر خیلی کوچک بود نیسگذارند
رئیس - آقای تهرانی (اجازه)
آقا شیخ محمدعلی تهرانی - بنده تمام حروف را چون مجمل است از مغیر محترم کمیسیون استدعا میکنم بنویسند به لفظ فارسی چون تمام حروف هم از فرانسه و غیره است و بهتر اینست نوشته شود تمام حروف بفارسی
 مغیر البته مقصود هم همان است که حروف و اعدادی که روی اوزان میگذارند

فارسی باشد خود دولت هم متوجه خواهد بود که حروف فرانسه یا انگلیسی یا لاتین نباشد و فارسی باید باشد مطلب واضح است
رئیس - رأی میکنیم بماده چهارم باسانی - بنده پیشنهادی دارم
(پیشنهاد ایشان شرح ذیل فرات شد)
 بنده پیشنهاد میکنم بجای اوزان خیلی کوچک نوشته شود (وزنه های خیلی کوچک)
 باسانی - بقیه بنده با اظهاراتی که در جلسه گذشته کردم اوزان فلط است و مفرد اوزان وزن است و یک لفظ فلط خوب نیست در قانون نوشته شود و بهتر این است همانطور که بنده پیشنهاد کردم نوشته شود وزنه های خیلی کوچک مغیر - بنده بنظر نمایندگان محترم واگذار میکنم البته اگر غلط باشد رأی نمیدهم
رئیس - آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه شد - رأی میکنیم بماده چهارم آقایان موافقت قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد - پیشنهاد آقای حائریزاده فرات میشود (شرح آتی فرات شد)
 بنده پیشنهاد میکنم رایرت که بیرون مبتکرات نمره ۱۴ مطرح شود
رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)
سهام السلطان - چون این قانون مطرح است بقیه بنده خوب است این قانون را خاتمه بدهیم چون چند ماده بیشتر نیست بعد از اینکه این قانون تمام شد آنوقت مطرح شود و خوب نیست لایتنقطع دستورا تغییر بدهیم
حائریزاده - بنده اصراری ندارم که همین الان مطرح شود محتاج پیشنهاد هم نمیدانم و بوجوب نظامنامه پیشنهاد راجع به دستور هم مقدم بر سایر پیشنهادات خواهد بود
 جلسه سابق هم تقاضا کرده بودم و حالا هم قبل از اینکه این قانون مطرح شود تقدیم کرده بودم - عجالتاً باشد و پس از ختم مذاکرات مطرح شود
رئیس - آقای سرکشیکزاده (اجازه)
سرکشیکزاده - فعلاً عرضی ندارم خواستم عرض کنم در وسط دستور نمیشود پیشنهاد کرد
رئیس - ماده پنجم
(شرح آتی فرات شد)
 ماده پنجم کلیه تجار و کسبه و قیاندانها و صنعتگران و غیره که در حجره یا دکان

و یا کاروانسرا و یا کارخانجات و تجارتخانهها و غیره دارای اوزان و مقیاسهای قلب بوده و یا بوسیله آلات نقلی وزن و کیل نمایند و اندازه بگیرند علاوه بر ضبط آن آلات از ۳۰ روز تا یکماه به حبس تغذیری قابل ابتیاع مطابق تشخیص محکمه محکوم خواهند بود
رئیس - آقای اشگر (اجازه)
اشگر - عرضی ندارم
رئیس - آقای دستغیب (اجازه)
دستغیب - بنده هم عرضی ندارم
رئیس - آقای کازرونی
کازرونی - این ماده میگویند هر کس که تجار و کسبه و قیاندانها و صنعتگران دارای يك وزن و کیلی باشند یا بوسیله وزن و کیل نقلی يك دادوستدی بکنند باید حبس شوند بنده نمیدانم فرضاً در یکی از حجرهات یا دکانی يك سنگی پیدا شد که مطابقت نکرد با آن ترتیبی که دولت تعیین کرده است لیکن هیچوقت هم با آن سنگ معامله نکرده بود شاید هیچ ابداً قصد معامله هم نداشته است آیا بجز در اینکه این سنگ در آنجا پیدا شد باید آن کاسب یا تاجر حبس شود؟ یا فقط در صورتی که با آن دادوستد نماید حبس میشود؟
 و آیا در صورتیکه يك سنگ و وزنی در آنجا پیدا شود و معامله با آن نکرده باشد آنگاه بنظر کفایت نیست که همان سنگ را ضبط نمایند؟
 یا آنکه اگر سنگ نقلی پیدا شود و معامله هم نکرده باشد هم سنگ را ضبط میکنند و هم حبس میکنند؟
 میخواستم آقای مغیر در این خصوص يك توضیحی بدهند تا بنده ملتفت شوم مغیر - در اینجا اصلاً اساس مطلب برای اینست که بعد از آنکه این قانون وضع شد و اوزان و مقادیر مرتبه شکل شد دیگر نباید اوزان دیگری را وضع و استعمال کنند باین جهت در ماده نوشته شده که آلات نقلی ضبط خواهند شد و حالا شما میفرمائید که ممکن است در یک دکانی سنگهائی باشد که با آن کار نکنند البته خیلی چیزها است که ممکن است دست هم با آنها نزنند یا ببرد نهند
 وقیعتی هم نباشد و در یک گوشه باشد ولی اگر در موقعی که آن سنگ را استعمال کنند البته میگیرند و مجازات هم خواهد شد ولی اگر میخواهند استعمال کنند وقیعتی هم نباشد که ببردش نیخورد و دور میاندازد
 بنا بر این در موقعی که استعمال کنند مجازات میشود و اگر هم قبضی است مثل يك اسامی یا يك چیز دیگری در گوشه دکانش نگاه میدارد
 در هر صورت در موقع استعمال ضبط

میشود مرتکب هم مجازات میشود
رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)
سلطان العلماء - بنده عرضی ندارم
آقای سید یعقوب - بنده بعد از جواب آقای مغیر يك توضیحی در جواب آقای آقامیرزاملی دارم اجازه میفرمائید
رئیس - اگر مخالفه بفرمائید
آقای سید یعقوب - خیر موافقم لیکن درست توضیح داده نشد
شیروانی - بنده مخالفم
رئیس - بفرمائید
شیروانی - بنده با عدمت حبس قابل ابتیاع مخالفم پیشنهادی هم در این خصوص داده ام و در موقع توضیح میدهم
آقای سید یعقوب - حالا ممکن است عرض بکنم؟
رئیس - بفرمائید
آقای سید یعقوب - اگر آقای آقا میرزاملی نمایند محترم ماده پنجم را ملاحظه کرده باشند رفع اشتباهشان میشود در ماده پنجم نوشته شده پس از انقضای مدت مذکور در ماده هشتم استعمال کلیه مقیاسهای سابق اکیهاً ممنوعست و در واقع ماده پنجم بیان ماده هشتم است ماده هشتم هم میگوید
 «همینکه در نقطه ای از مملکت وسائل اجرای این قانون بقدر کفایت از طرف دولت فراهم شد بلدی محل آن را اعلان و چهار ماه بعد از نشر اعلان در ولایات و شش ماه در ایالات کاملاً بوقوع اجراء گذارده خواهد شد»
 مسلماً وقتی که قانون وضع شد مقنن مدتی از برای اجرای آن قانون قرار میدهد بعد از آن مدت دیگر فلان کاسب یا تاجر نمیتواند بگوید من اطلاع نداشتم و عدم علم در اینجا فایده ندارد و اگر تعلف کرد قهراً مجازات میشود
 اما اینکه آقای شیروانی فرمودند با حبس قابل ابتیاع مخالفم اگر ملاحظه بفرمائید این در واقع يك اصل و يك اساسی است درست است هر کس از قانون تخلف کند مجازات باید بشود ولی این عمل يك عمل شنیعی نیست
 این است که در این جا ذکر شد قابل ابتیاع مانی هم ندارد
 اگر چنانچه مانگا بکنیم بقوانین آسمانی می بینیم مجازات نقدی هم درش هست و اشکالی هم ندارد و فلسفه ندادن که مانی گوئیم مجازات نباید درش ابتیاع باشد
 بنا بر این بعضی جرمها که اهمیت افوق ماده ندارد اگر بنظر محکمه تشخیص داده شود و يك جزای نقدی از برای متخلف قابل بشود مانی ندارد

رئیس - آقای تهرانی (اجازه)
آقا شیخ محمدعلی تهرانی - اگر چه هر نوشته باید نسبت ببقا خودش صریح و تام الاقافه باشد لیکن در قانون بیشتر باید در عبارت این معنی بشود
 این جا عبارت را يك شکلی نوشته اند که اولاً این که مراد قانونگذار این نباشد ولی این معنی دانسی رساند مثلاً اگر کسی در خانه خودش يك من آرد را يك سنگی که غیر از سنگ دولتی باشد بکشد و يك کسی بدهد باید از سه روز تا يك ماه حبس شود عبارت شکل فریبی است
 و کلیه تجار و کسبه و قیاندانها و صنعتگران و غیره این يك لفظ کش داری است که کلیتاً شامل غیر متاملین را شامل می شود
 که در حجره یا دکان یا کاروانسرا و یا کارخانجات و تجارتخانه و غیره هم يك لفظ کش داری است
 این موضوع حکم و موضوع جرم است و باین عمومیت گمان نمیکنم مراد قانونگذار باشد یعنی همی که در این باب نظریات کرده اند این بوده است که کلیه معاملات که عملی است و در خارج می شود اگر غیر از اوزان رسمی دولت باشد مجازات دارد
 نه این که بطور مطلق هر کس هر معامله بکند و باسنگی را استعمال کند ولو اینکه برای خرید و فروش هم نباشد این مجازاتها برای او استعمال می شود
 در مسئله حبس هم بنده عقیده دارم که نوشته از سه روز تا يك ماه حبس و با از يك تومان تا سی تومان محکوم خواهد شد چون حبس را قابل ابتیاع نباید قرارداد چون چون کلبه حبس قابل ابتیاع يك نوع مجازات تسخیری است و مجازات را تسخیری نباید قرارداد و باید بنظر محکمه واگذار کرد
 بعضی اشخاص هستند که بنظر محکمه باید حبس شوند و بعضی ها هستند که بنظر محکمه باید از آنها جریمه گرفت و نباید بنظر خود مجرم و اگداز کرد
 مغیر - در این قسمت بنده نمیدانم مقصود ایشان چیست؟ اگر مقصود این است که از يك وزنه های مختلفی که افراد دارند جلو گیری شود؟
 ناچار باید يك تصمیمی گرفت و جلو گیری کرد و اوزان را متحد کرد ولی اگر مقصود این است که هر نوع معامله در دکانها و مغازهها و دواخانهها و غیره میشود آزاد باشد که هیچ والا این چه اصراری است که يك کسی توی خانه اش بیکار بنشیند و وزنه درست کند آنهم بی خود و طرف هم نداشته باشد
 البته اگر بخواهد بفرماید این اشان بیک کسی چیزی بدهد یا يك معامله بکند که این صدا توش در نی آید

ولی اگر چنانچه يك معامله کرد چون معامله دو طرف دارد بالاخره طرف او ممکن است صدایش در بیاید و بگوید کم و کسر است و مدعی میشود وقتی مدعی شد و شکایت کرد البته جلوی آن شخص را میگیرند سنگش را هم ضبط میکنند غیر از این هم گمان میکنم آن شخص بی کار نباشد که توی خانه اش بنشیند و وزنه درست کند داعی ندارد
 اگر طرف دارد که با اوزان رسمی باید با آنها معامله کند و الا بی کار که نیست راجع حبس هم که آقای تهرانی فرمودند باید البته بنظر محکمه باشد هر طور که صلاح دانست اجرا کند و ممکن است يك وقتی محکمه حبس را قائل باشد يك وقت جریمه را در خود ماده نوشته شده و بنظر محکمه واگذار شده
 ماده میگوید از سه روز تا يك ماه حبس تغذیری قابل ابتیاع مطابق تشخیص محکمه محکوم خواهد بود و محکمه ممکن است برای يك شخص پنج روز یا سه روز حبس تعیین کند یا فلان مقدار
رئیس - آقای تهرانی (اجازه)
تهرانی - بنده ابتداء اجازه خواسته بودم که بعضی هریضی بکنم ولی بعد بطور پیشنهاد تقدیم کردم
 این جا برای استعمال آلات نقلی يك مجازاتی قائل شده ولی گمان میکنم باید برای استعمال اوزان و مقادیر خارجه هم در این قانون يك مجازاتی باشد چون در بعضی از ولایات سرحدی جزئاً با کلا اوزان و مقادیر خارجه را استعمال می کنند مثلاً خود بنده در آنزلی دیدم ایداً اسم من و سیر و غیره نیست تمام یا یوط است یا گبروانکه یا آرشین همین طور در سایر شهرهای سرحدی
 لذا این پیشنهاد را بنده تقدیم نمودم و در متن این پیشنهاد هم اصرار ندارم که عبارت همین طور باشد که بنده نوشته ام چون بنده با عجله نوشتم
 و خیال میکنم جایش هم همین جا باشد که بعد از لفظ آلات نقلی نوشته شود
 و اوزان و مقادیر منسوخه و اوزان و مقادیر خارجه چون آنها را که منسوخ میکنیم از اعتبار می افتد و اگر کسی استعمال کند یوط روسی را استعمال کند - این نقلی نیست و میشود گفت نقلی است ولی نباید استعمال کرد
 پس باید گفت استعمال آنها هم منسوخ باشد و اوزان و مقیاسهای قلب کافی نیست و این مقصود را نمیرساند
 چون اوزان خارجه نقلی نیست مهر هم وارد بنا بر این بهترین است نوشته